

دیدگاه

در حالی از روسیه به‌عنوان میانجی چهارم ایران و آمریکا یاد می‌شود که سه میانجی قبلی هر کدام بخشی از معادله امنیتی ایالات‌متحده در منطقه هستند

میانجی‌گری در کارزار تعارض‌ها

محمدولایی |سخن گفتن از سوابق میانجی‌گری عمان، قطر و پاکستان و رابطه راهبردی این کشورها با دشمن آمریکایی لزوماً به‌معنای نفی نقش آفرینی و میانجی‌گری کشورها نیست؛ چراکه هر کشور به‌ظاهر بی‌طرفی هم ارتباطات و منافع‌ی دارد که ممکن است متعارض با منافع ملی ما باشد، اما وقتی این تعارضات با این شدت و در حساس‌ترین مسائل امنیت ملی رخ نشان می‌دهد، جای تأمل بیشتری خواهد داشت. کشورهایی که با همه تفاوت‌هایشان، در یک چیز مشترک‌اند و آن هم پیوند با ترتیبات امنیتی آمریکا در منطقه است؛ از میزبانی زیرساخت نظامی آمریکاتا پیمان دفاعی با عربستان و منافع مستقیم در نوع مدیریت و امنیت کشتیرانی هرمز. البته هر سه کشور یادشده همسایه‌ما به‌شمار می‌روند و قابل حذف نیستند و در صورت گسترش روابط و مودت با آن‌ها تردیدی نیست؛ اما انتظار میانجی‌گری از آن‌ها منطقی به‌نظر نمی‌رسد. میانجی‌ها علاوه‌بر انتقال پیام‌ها؛ چارچوب‌ها و اولویت‌ها را هم تعیین می‌کنند. وقتی میانجی‌گری در چارچوب نظامی شکل گرفته که امروز محل اختلاف است، آیا این کشورها می‌توانند در مذاکره درباره این نظم میانجی‌گری کنند؟ یا این فرایند را به فرصتی برای بازگشت همان نظم که در حفظش ذی‌نفع هستند تلقی می‌کنند؟ میانجی نه‌تنها باید بتواند در برابر فشارهای دو طرف بایستد، بلکه توان فشار متوازن به‌طرفین برای رسیدن به توافق یا اجرای تعهدات را داشته باشد. البته به‌نظر می‌رسد انتظار از میانجی‌ها در پایین‌ترین سطوح میانجی‌گری، یعنی تسهیل گفت‌وگو تعریف شده، نه تسهیل توافق و تضمین اجرای آن؛ چراکه این کشورها نه‌انگیزه تحقق شروط ایران و توان رسیدن به توافقی متوازن را دارند و نه قدرت تضمین اجرای آن یا حتی توان ایستادگی در برابر فشارها. نتیجه این معادله هم مشخص است: فشارپذیری از آمریکا و وارد آوردن فشار بر ایران.

علاوه بر این، کانال‌های میانجی‌گری در اختیار کشورهایی قرار دارد که خودشان در ترتیبات امنیتی، اقتصادی و دریایی مورد اختلاف، ذی‌نفع هستند. در چنین وضعیتی باید پرسید کار میانجی‌ها تا کجا صرفاً انتقال پیام است و از کجا به مدیریت مذاکرات در چارچوب نظم مطلوب خودشان تبدیل می‌شود. آیا موضوعات مورد اختلاف واقعاً روی میز هستند یا میانجی‌ها فقط در باره‌بخش‌هایی مذاکره می‌کنند که با منافع امنیتی و اقتصادی خودشان سازگار است؟

بنابراین نخستین در میز مقابل این کشورها نه به معنای مذاکره غیرمستقیم با آمریکا، بلکه مذاکره با آمریکا به اضافه مذاکره مستقیم با سه ذی‌نفع متحد آمریکاست. توقع نتیجه از این ترکیب، توقع داوری از بازیکن ذخیره یا تماشاجی طرفدار تیم مقابل است!

اما تقلیل نقش واسطه به انتقال پیام و جلوگیری از قطع ارتباط باضایت به میانجی‌گری کشور نزدیک به دشمن، این تصور را به‌وجود می‌آورد که ایران فقط در پی جلوگیری از قطع ارتباط و محتاج آن است. برداشتی که ممکن است به‌موضع ضعف تعبیر شود. از سوی دیگر تعدد میانجی‌ها نیز موجب تعدد امتیازات و تنوع تعارض منافع آن‌ها با منافع کشورمان شده است که همین تکثر و توسل به هر کشور ریز و درشت نیز مفهوم مشابهی خواهد داشت. به‌نظر می‌رسد میانجی علاوه بر ارتباط مؤثر با سطوح تصمیم‌گیری هر دو طرف، باید استقلال عملی قابل قبولی نسبت به طرفین داشته باشد و بتواند در برابر دستورکار یک طرفه مقاومت کند و توان تضمین یادست کم‌پیگیری سازوکار انجام تعهدات و نظارت را داشته باشد. با اعلام نقش روسیه به عنوان واسطه پیام‌های دیپلماتیک ایران و آمریکا در روزهای اخیر، موضوع میانجی‌گری این بار در سطوح دیگری قابلیت طرح پیدا کرده است که البته صحنه تعارضات متفاوتی خواهد بود. اما فضای سنگین بدبینی و نقض عهد، فراتر از میانجی بی‌طرف و تعارض‌ناش، فرایند محکمی را می‌طلبد که امکان تحمیل یک‌طرفه نتیجه را در کارزار تمایلات و تعارضات میانجی محدود کند.

خبر

فرمانده نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی:

برای غرق کردن ناوهای آمریکایی لحظه‌شماری می‌کنیم

فرمانده نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با بیان اینکه ناوهای آمریکایی جرئت نزدیک شدن به تنگه هرمز را ندارند، گفت: منتظریم ناوهای آمریکایی به ورودی تنگه هرمز نزدیک شوند تا غرقشان کنیم؛ لحظه به لحظه روزشماری می‌کنیم تا این اتفاق بیفتد. به گزارش خبرنگار سیاسی ایرنا، در یادار علی عظمایی سه‌شنبه شب در نخستین گفت‌وگو تلویزیونی خود اظهار کرد: امروز با عنایت خدا و رزمندگان نیروی دریایی سپاه مقابل دشمنان خبیث ایستاده‌ایم. ارتش آمریکا تبدیل به قاچاقچی سوخت و ناوگان آن‌بی خاصیت شده است چون آسیب‌پذیر هستند و جرئت ندارند به ایران نزدیک شوند. فرمانده نیروی دریایی سپاه با تأکید بر اینکه مناطق ضعف تاکتیکی مان را تبدیل به نقاط قوت کرده‌ایم، افزود: اگر آمریکایی‌های ما خواهند ببینند تنگه هرمز باز است یا بسته وارد میدان شوند تا ببینند چه کسی آن را کنترل می‌کند. در یادار عظمایی گفت: امروز آمریکا با هفت ناوگان خود به قاچاقچی سوخت تبدیل شده است، ناو ۱۳ میلیارد دلاری آمریکا بی‌خاصیت شده و ۷۰۰ کیلومتر از تنگه هرمز فاصله گرفته زیر جرئت ندارد به تنگه نزدیک شود. فرمانده نیروی دریایی سپاه افزود: منتظریم ناوهای آمریکایی به ورودی تنگه هرمز نزدیک شوند تا غرقشان کنیم؛ لحظه به لحظه روزشماری می‌کنیم تا این اتفاق بیفتد. وی گفت: ما فقط یکی دو نمونه از تنبیه کشتی‌های متجاوز را نشان دادیم، آمریکایی‌ها و هکرا نشان در منطقه سکوت رسانه‌ای ایجاد کرده‌اند که مردم دنیا نفهمند کشتی‌های متخلف تنبیه می‌شوند؛ برای همین ما نمونه‌از تنبیه کشتی‌های متخلف را منتشر کردیم. در یادار عظمایی ادامه داد: تنگه هرمز و خلیج فارس در اختیار نیروی دریایی سپاه است و دریای عمان را هم برادران ما در ارتش جمهوری اسلامی کنترل می‌کنند یعنی محاصره خارج از دریای عمان بوده و در دریای عربی است. وی تأکید کرد: نیروی دریایی سپاه تنگه هرمز را هوشمند کنترل می‌کند یعنی برای شناورهایی که مقصد یا مبدأ آن‌ها ایران است برابر سلسله مراتب مجوز صادر می‌کنیم تا از آبراه ایرانی تردد نکنند. فرمانده نیروی دریایی سپاه افزود: مردم عزیز ما که در میدان هستند بدانند رزمندگان نیروی دریایی سپاه نیز در میدان هستند و با متخلفان برخورد می‌کنند و تعارفی هم ندارند. در یادار عظمایی گفت: ما می‌توانیم با همسایگانمان امنیت اقتصادی، سیاسی و نظامی را برقرار کنیم، نیازی به آمریکایی‌های هاندیرم، آن‌ها به دنبال این هستند که ثروت مردم منطقه را ویران کنند.

ترو ریست‌ها دومین مجاهد زن را در سیستان و بلوچستان به شهادت رساندند

مدعیان حقوق زنان کجایند؟

ترو ریست‌های ناجوانمرد به شهادت رسید. با این اوصاف اینکه چه کسی از افزایش ناامنی و به‌ویژه حذف چهره‌های مؤثر و خانه‌نشینی زنان خطه سود می‌برد جای پرسش دارد و به‌ویژه مردم استان باید نسبت به اهداف پشت پرده این اقدام‌ها حساس باشند.

■ جریان‌های مدعی حمایت از زنان کجا هستند!

درباره تحولات اخیر، ایراد دیگر به رویکرد افرادی است که کاسه داغ‌تر از آش شده و نسبت به هر رخداد داخلی در حوزه زنان حساس بوده و آن را پتکی کرده و بر سر جمهوری اسلامی می‌کوبند اما درباره ماجراهای جنوب شرق روزه سکوت گرفته‌اند. جریان موسوم به زن، زندگی، آزادی که هدف خود را دفاع از کرامت انسانی زنان ایرانی می‌داند، اکنون کجاست؟ بی‌بی‌سی، اینترنشنال و ده‌ها رسانه ضدایرانی چه می‌کنند؟ چار درباره فاجعه‌ای که به‌دست گروهک‌های مزدور و جیره‌بگیر رقم می‌خورد ساکت بوده و یقه عوامل و دستوردهندگان آن را نمی‌گیرند. البته که پاسخ روشن است، برای آن‌ها سودی نداشته و اصلاً در تریبون‌های اجاره‌ای اربابان غربی اجازه چنین کاری را نخواهند داشت.

گله‌ای هم از ریش سفیدان محلی وجود دارد. حوادث در سیستان و بلوچستان فقط به یک عملیات یا یک قربانی محدود نبوده است. در کنار شهادت دو بانوی عزیز، حمله مسلحانه به مینی‌بوس حامل کارکنان نیروی زمینی ارتش در نیکشهر، ترانزاندازی به شهروندان در محدوده چکیگور راسک و ترور ماموستا گریچ از چهره‌های اهل سنت زاهدان، از دیگر اقدامات تروریستی اخیر است. وجه مشترک عملیات‌های تروریستی، هدف قرار گرفتن جان انسان‌ها و برهم خوردن امنیت عمومی است؛ فارغ از اینکه قربانی از کدام نهاد، قومیت یا جریان فکری باشد. از همین رو، محکومیت ترور باید اصلی‌راگیر و غیر قابل تفکیک باشد؛ اصلی که نه به وابستگی سیاسی قربانیان محدود شود و نه تحت تأثیر اختلاف نظرهای اجتماعی و مذهبی قرار گیرد. گروه‌های تروریستی از شکاف‌های اجتماعی و ابعاد در مواضع چهره‌های اثرگذار برای پیشبرد اهداف خود بهره می‌برند؛ در چنین شرایطی، انتظار افکار عمومی محکومیت صریح ترور و دفاع روشن از امنیت مردم است.

از قوم بلوچ و اهل سنت بود. او از سال ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۷ به عنوان فرماندار شهر کوچک اما مهم قصرقند در حوالی مرز پاکستان فعالیت و با چادر و لباس سنتی به نقاط مختلف شهرستان سرکشی می‌کرد. «نیره پورمولایی» دیگر بانویی بود که برای نخستین بار در کشور، به عنوان سکاندار محیط زیست استان انتخاب شد. البته پیش‌تر «الهام آبتین» به عنوان رئیس اداره حفاظت محیط زیست شهرستان زابل منصوب شده بود؛ فردی که به سبب اقدام‌های مؤثرش موفق به دریافت جایزه «هری مسل» در حفاظت از مساح‌های پوزه کوتاه از سوی اتحادیه جهانی حفاظت از طبیعت شد. چنین انتصابات نشان می‌دهد زنان جنوب شرق کشور با وجود تمام محرومیت‌ها در حوزه مدیریت موفق ظاهر شده و پیشرو هستند. شهیده افتخاری از نخبگان پلیس نیز در هفته فراجا با شعار «مجاهد مسئول»، برای مشارکت در مردم‌پاری و رسیدگی به مشکلات و مسائل اقوام و طوایف راهی چشمه زیارت زاهدان بود که در میانه مسیر، به دست

تروریستی خود را نشان می‌دهد، قابل درک است. گروهک‌های مزدور با دستور محور غربی – عبری، مأمور ایجاد ناامنی در منطقه هستند و با اجرای چند عملیات ایدایی و بازتاب رسانه‌ای گسترده آن، تلاش دارند تصویری از ناامنی فراگیر در کشور ارائه دهند، اما واقعیت متفاوت است. آن‌ها در هفته‌های اخیر زیر سنگین‌ترین ضربات دستگاه امنیتی قرار داشتند. بازداشت عناصر کلیدی، هلاکت تعدادی از اعضا، کشف و ضبط تجهیزات و انهدام چندین خانه تیمی نشان‌دهنده اشراف اطلاعاتی و توان رزمی بالای نیروهای حافظ امنیت در منطقه است. با این حال گروهک‌های تجزیه‌طلب که در میدان زیر فشار هستند، در تکمیل پروژه هراس‌افکنی دشمن، دست به جنایاتی می‌زنند که جز رسوایی برای آن‌ها چیزی نخواهد داشت. ترور هدفمند بانوان سیستان و بلوچستان از این دست است؛ شیرزانی که این خطه را سرآمد کشور کرده‌اند. «حمیرا ریگی» که از وی به عنوان نخستین فرماندار زن ایران نام برده می‌شود

هدایت‌جاوید شهادت دومین بانوی سیستان و بلوچستانی در حمله تروریستی ثابت کرد در پیگیری پروژه هراس‌افکنی دشمن با بهره‌گیری از عناصر مزدور مدعی دفاع از حقوق اقلیت‌ها، تفاوتی نمی‌کند چه کسی سیبل گلوله باشد؛ نظامی، غیرنظامی، مرد، زن، کودک، فارس و بلوچ، قربانی این بازی کثیف و نیت‌پلید هستند.

«افسانه عقیلا» صبح دیروز جلو منزلش هدف ترانزاندازی عمله و پیادمنظام وابسته به آمریکا و رژیم صهیونیستی قرار گرفت و به شهادت رسید. وی فرمانده یکی از حوزه‌های بسیج خواهران شهرستان مهرستان در قلب سیستان و بلوچستان بود. شهادت بانوی جهادی در فضایی بود که چند روز پیش نیز سرهنگ «نصرت افتخاری» معاون اجتماعی فرماندهی انتظامی استان، حین مأموریت ترور شد.

■ ابراز وجود مشتبی بی‌وجود!

رخداد اخیر در جنوب شرق که با افزایش شیب حملات

روزشمار جنگ | روز دویست و بیست و هفتم

تحولات نشان می‌دهد ایران در تعیین سرنوشت تنگه هرمز نقش دارد و آمریکا با فشار نظامی نمی‌تواند این نقش را نادیده بگیرد

گره هرمز با زور باز نمی‌شود

■ بازاری که آرام نمی‌گیرد

واشنگتن در ماه‌های اخیر کوشیده با اسکورت کشتی‌ها و گسترش مسیرهای جایگزین، جریان صادرات نفت منطقه را حفظ کند. این اقدام‌ها برای مدتی نتیجه داد، اما موج تازه حملات بار دیگر رفت‌وآمد نفتکش‌ها را کاهش داده است. بر اساس داده‌های کیپلر که الجزیره منتشر کرده، حجم نفت عبوری از هرمز در یازدهم اکتبر به حدود ۲٫۹ میلیون بشکه رسید؛ در حالی که سه روز پیش از آن نزدیک ۲۰٫۸ میلیون بشکه بود.

رویترز نیز گزارش داد نفت برنت همچنان بالای ۱۰۵ دلار معامله می‌شود. بازار با وجود افزایش نسبی صادرات منطقه، خطر اختلال دوباره را جدی می‌گیرد. برای ایران، این وضعیت از آن جهت اهمیت دارد که فشار اقتصادی جنگ دیگر فقط بر ایران متمرکز نمی‌ماند. ادامه محاصره، هزینه‌هایی به بازار انرژی و شرکای منطقه‌ای آمریکا تحمیل می‌کند و بر محاسبات انتخاباتی واشنگتن نیز اثر می‌گذارد.

■ ۵ کشتی و یک واقعیت بزرگ‌تر

در چنین فضایی، سازمان ملل طرح عبور روزه پنج کشتی حامل کود کشاورزی را مطرح کرده است. قرار است محموله‌ها با هماهنگی مرکزی در عمان وزیر نظر سازمان ملل جابه‌جا شوند. نگرانی اصلی، کمبود کود در کشورهای آسیایی و آفریقایی است. تأخیر بیشتری می‌تواند فصل کشت را مختل کند و چند ماه بعد به افزایش قیمت مواد غذایی بینجامد. این پیشنهاد هنوز به توافق نرسیده است. با این حال، اهمیت سیاسی آن از شمار معود کشتی‌ها فراتر می‌رود.

واشنگتن پیش‌تر تلاش می‌کرد نشان دهد می‌تواند بدون تهاجم با تهران،

گروه سیاسی | هفت ماه ونیم از آغاز جنگ می‌گذرد، اما آمریکا هنوز نتوانسته

هم بنادر ایران را در محاصره نگه دارد و هم رفت‌وآمد کشتی‌های تجاری در خلیج فارس را به وضع عادی برگرداند. در روزهای گذشته، حملات به شناورها شدت گرفته و دامنه ناامنی از هرمز به آب‌های نزدیک عمان، قطر و امارات کشیده شده است. در همین شرایط، سازمان ملل از طرحی برای عبور روزه پنج کشتی حامل کود کشاورزی سخن می‌گوید؛ طرحی که اجرای آن بدون توافق ایران و آمریکا ممکن نیست. همین پیشنهاد محدود نشان می‌دهد گره هرمز هنوز با اقدام‌های نظامی باز نشده است.

■ تهران تاکتیک عوض کرده است

رویترز به نقل از دو مقام ارشد ایرانی گزارش داد تهران از حدود ۱۰ روز پیش شیوه عملیات دریایی خود را تغییر داده است. هدف از این تغییر آن است که تلاش آمریکا برای کاهش قیمت نفت پیش از انتخابات سوم نوامبر به نتیجه نرسد. جزئیات این تغییرات اعلام نشده، اما مقام‌های آمریکایی نیز افزایش تحرک نیروهای ایرانی و استفاده از روش‌های تازه شناسایی شناورها را تأیید کرده‌اند. گزارش الجزیره از ثبت ۱۵ حادثه در دریای در فاصله ششم تا چهاردهم اکتبر حکایت دارد که ۱۱ مورد آن در چهار روز اخیر رخ داده است. در تازه‌ترین حادثه نیز کشتی کانتنیری «جی‌اف‌اس پراید» که نزدیکی هرمز غرق شد. ایران برخورد با مین را علت حادثه دانسته است. روند کلی تردیدی باقی نمی‌گذارد که راهبرد ایران برای اثرگذاری بر کشتیرانی همچنان فعال است. آمریکا توانسته به تأسیسات و تجهیزات ایران آسیب بزند، اما نتوانسته امکان پاسخ‌گویی ایران در دریا را از میان ببرد.

فراخبر

یورونیوز از حادثه‌ای گزارش داد که کشتی کانتنیر بر را به قعر خلیج فارس فرستاد

جدیت ایران در مقابله با تخلفات در تنگه هرمز

■ تهدید سپاه و واکنش سنتکام

علی عظمایی، فرمانده نیروی دریایی سپاه، پیش‌تر در روز دوشنبه تهدید کرده بود هر ناو جنگی آمریکا که به تنگه هرمز نزدیک شود را غرق خواهد کرد. او گفت: ناوهای جنگی گران‌قیمت آمریکا برای دور ماندن از موشک‌های ایران، ۷۰۰ کیلومتر از تنگه هرمز فاصله گرفته‌اند. فرمانده نیروی دریایی سپاه افزود: ناوهای جنگی آمریکا به دلیل آسیب‌پذیریشان «جرئت وروده به تنگه هرمز را ندارند. او هشدار داد ایران آماده است هر کشتی‌ای را که به ورودی این تنگه نزدیک شود، غرق کند. فرماندهی مرکزی ایالات متحده (سنتکام) روز سه‌شنبه در واکنش به اظهارات فرمانده نیروی دریایی سپاه اعلام کرد تنگه هرمز در حال حاضر تحت کنترل ارتش آمریکا و شرکای منطقه‌ای آن قرار دارد. سنتکام در پیامی در شبکه‌های اجتماعی اعلام کرد نیروهای آمریکایی روز دوشنبه به شرکای منطقه‌ای خود در خلیج فارس کمک کردند تا بیش از ۱۹ میلیون بشکه نفت خام را از تنگه هرمز عبور دهند. آمریکا به‌طور منظم با پهپاد بر فراز خلیج فارس عملیات شناسایی انجام می‌دهد و در ماه‌های اخیر اهدافی را در جنوب ایران هدف قرار داده که به گفته واشنگتن، از آن‌ها برای اخلال در تردد دریایی از تنگه هرمز استفاده می‌شد.»

رفت‌وآمد تجاری را به وضعیت عادی بازگرداند. اکنون حتی برای اجرای یک برنامه محدود بشردوستانه نیز توافق دو طرف ضروری شده است.

■ فرصتی فراتر از فشار دریایی

ایران خواهان رفع محاصره و دریافت تضمین‌هایی برای جلوگیری از حملات دوباره است. آمریکا نیز همچنان بر گنجاندن پرونده هسته‌ای در مذاکرات اصرار دارد. اختلاف بر سر ترتیب اقدامات، راه توافق جامع را بسته است. طرح سازمان ملل می‌تواند راه دیگری پیش پای طرفین بگذارد. شاید بتوان پیش از حل همه اختلاف‌ها، درباره عبور محموله‌های ضروری به تفاهم رسید.

برای ایران، مشارکت در چنین سازوکاری فرصتی است تا نقش خود را در تأمین امنیت دریایی نیز نشان دهد، بی‌آنکه لزوماً از مطالبات اصلی‌اش در مذاکرات صرف‌نظر کند. در همین حال، ترامپ و نتانیاهو هر دو از پرهیز از حمله تازه به ایران پیش از انتخاباتشان سخن گفته‌اند. ادعاهایی که نمی‌توان خیلی روی درستی آن حساب باز کرد.

تحولات روز گذشته بار دیگر نشان داد نمی‌توان با محاصره ایران، امنیت خلیج فارس را جدا از امنیت خود ایران تأمین کرد. افزایش حملات دریایی، دشواری حفظ جریان نفت و نیاز سازمان ملل به توافق بر سر عبور چند کشتی، همگی از پارچا ماندن نقش ایران در معادله هرمز حکایت دارند. ممکن است واشنگتن برای عبور از هرمز، راه‌های موقت و فرعی پیدا کرده باشد، اما برای حل مسئله هرمز هنوز ناگزیر از گفت‌وگو با ایران است.

خبر

مهمدی قهرمان کشتی فرنگی زیر ۲۳ سال جهان شد
اهتزاز پرچم ایران در قلب لاس وگاس



ابوالفضل مهمدی به مدال طلای مسابقات جهانی کشتی فرنگی زیر ۲۳ سال جهان دست یافت.

دیدارهای رده‌بندی و فینال وزن‌های ۶۰، ۶۷، ۷۲، ۸۲ و ۹۷ کیلوگرم رقابت‌های کشتی فرنگی زیر ۲۳ سال قهرمانی ۲۰۲۶ جهان در شهر لاس‌وگاس کشور آمریکا برگزار شد.

در وزن ۸۲ کیلوگرم، ابوالفضل مهمدی در فینال با نتیجه ۲ بر یک، مقابل مارتیک پتروسیان از ارمنستان پیروز شد و نخستین مدال طلای کشتی فرنگی ایران را کسب کرد.

همچنین در وزن ۶۷ کیلوگرم، محمد کمالی در دیدار رده‌بندی، مقابل یوریک هوویان از ارمنستان با نتیجه ۶ بر صفر به برتری رسید و صاحب مدال برنز شد.

در وزن ۹۷ کیلوگرم نیز محمدهادی صیدی با نتیجه ۸ بر صفر نوراسیل امان‌عالی از قزاقستان را مغلوب کرد و به مدال برنز رسید. دیدارهای مقدماتی پنج وزن دوم نیز برگزار شد که در وزن ۶۳ کیلوگرم، عرفان جرنکی و در وزن ۸۷ کیلوگرم، یاسین یزدی فینالیست شدند.

آرمین شمس‌ی‌پور در ۵۵ کیلو و اهورا بوبری در ۷۷ کیلوگرم نیز در شانس دوباره، برای مدال برنز مبارزه خواهند کرد.



حمیدرضا عرابی | درخشش حبیب فرعباسی در ترکیب استقلال و نمایش‌های ضعیف محمد خلیفه در تیم امید (بازی‌های آسیایی ناگويا) و آلومینیوم اراک، شرایط بازگشت این دروازه‌بان جوان به جمع آبی‌پوشان را پیچیده کرده است. خلیفه که ابتدای فصل در تمرین‌های استقلال حضور داشت، حالا با شرایطی متفاوت روبه‌رو شده و شاید حضور دوباره در جمع آبی‌پوشان آن‌طور که تصور می‌شد، در اولویت برنامه‌های باشگاه قرار نگیرد.

فرعباسی در فصل جاری عملکردی فراتر از انتظارات داشته و با ثبت سه گل خورده در ۱۰ مسابقه لیگ برتر و لیگ نخبگان آسیا، به یکی از مهره‌های کلیدی استقلال تبدیل شده است. او با واکنش‌های مطمئن و جای‌گیری‌های مناسب، توانسته اعتماد کادر فنی را جلب کند و نگرانی‌های ابتدای فصل درباره وضعیت دروازه استقلال را تا حد زیادی از بین ببرد.

نمایش درخشان فرعباسی مقابل الخرافه قطر در لیگ نخبگان آسیا، نقطه عطف عملکرد او بود. این دروازه‌بان با مهار موقعیت‌های خطرناک حریف، نقش مهمی در موفقیت استقلال ایفا کرد و نشان داد می‌تواند در مسابقات حساس نیز عملکرد قابل قبولی داشته باشد. در چنین شرایطی، نیمکت‌نشین کردن او برای سهراب بختیاری‌زاده تصمیم ساده‌ای نخواهد بود.

در سوی مقابل محمد خلیفه شرایط چندان مطلوبی ندارد. نمایش‌های نه‌چندان امیدوارکننده او در تیم امید و همچنین عملکرد اخیرش در آلومینیوم اراک مقابل فجر، موجب شده بازگشتش به استقلال با تردیدهای بیشتری همراه شود.

خلیفه که در ابتدای فصل به دلیل بسته بودن پنجره نقل‌وانتقالات استقلال از این تیم جدا شد، اکنون باید علاوه بر عبور از موانع مربوط به انتقال، برای رقابت با دروازه‌بانی آماده نیز برنامه داشته باشد.

البته جذب خلیفه همچنان می‌تواند بخشی از برنامه آینده‌نگرانه استقلال باشد؛ اما شرایط فعلی نشان می‌دهد این انتقال دیگر ضرورت گذشته را ندارد. از طرفی درخواست مبالغ جدید برای صدور رضایت‌نامه این دروازه‌بان از سوی مدیران آلومینیوم اراک نیز می‌تواند هزینه بازگشت او را افزایش دهد و مدیران استقلال را برای انجام این انتقال دچار تردید کند.

برنده سه طلای بوکس المپیک در سطل زباله به دنبال غذا
بوکسور افسانه‌ای کوبایی و برنده سه طلای المپیک که روزگاری پیشنهاد مبارزه با مایک تایسون را رد کرده بود، حالا به قدری اوضاعش خراب شده که در سطل زباله برای پیدا کردن غذا دیده شده است.
فلیکس ساون، اسطوره بوکس کوبا که سه طلای المپیک و ۶ قهرمانی جهان را در کارنامه دارد و پیشنهاد میلیون دلاری مبارزه با مایک تایسون را رد کرده بود، در ویدئویی دیده می‌شود که در سطل زباله به دنبال غذا می‌گردد؛ تصویری که با دوران باشکوه قهرمانی او فاصله‌ای تکان‌دهنده دارد. «دارم غذا جمع می‌کنم، چیزی برای خوردن ندارم».
با این کلمات، یکی از بزرگ‌ترین بوکسورهای تاریخ کوبا به مردی پاسخ می‌دهد که از او در حال جست‌وجو در سطل زباله، فیلم می‌گیرد.

امیر قلعه‌نویی با تأکید بر مسئولیت تیم ملی در قبال مردم ایران، از آغاز برنامه‌های عملیاتی تیم برای مسابقات پیش رو خبر داد و گفت: هدف کادر فنی، ارائه عملکردی بهتر از دوره‌های قبلی جام ملت‌های آسیا و جام جهانی است.
امیر قلعه‌نویی از آغاز برنامه‌ریزی‌های اجرایی تیم ملی برای رقابت‌های پیش رو خبر داد و تأکید کرد: کادر فنی برای حضوری قدرتمند در جام ملت‌های



ماه به ماه تنظیم شده و در سرفصل‌های منظم به انجام خواهد رسید.
سرمربی تیم ملی با اشاره به اهمیت رقابت‌های پیش رو، از عزم کادر فنی و بازیکنان برای حضوری متفاوت در جام ملت‌های آسیا صحبت کرد و گفت: تیم ملی برای جام ملت‌های آسیا با توان مضاعفی آماده خواهد شد و عملکرد تیم ملی در این تورنمنت از جام جهانی و جام ملت‌های قبلی بهتر خواهد بود. تیم ملی به

آسیا برنامه‌ریزی کرده است. سرمربی تیم ملی همچنین با اشاره به گزارش فنی خود در نشست هیئت رئیسه فدراسیون فوتبال، بار دیگر بر هدف اصلی تیمش؛ یعنی کسب موفقیت و شاد کردن دل مردم تأکید کرد.
قلعه‌نویی درباره برنامه‌های آتی تیم ملی افزود: امور مربوط به تیم ملی در ساختمان پک مرکز ملی فوتبال آغاز شده است. برنامه‌های عملیاتی مربوط به صورت

گزارش روز

حمله تند و بی‌سابقه مدافع منچستر یونایتد به مدیران باشگاه

از شما انتظار بیشتری داشتیم

مارتینز هم بیان کرد: «یونایتد نمی‌تواند مدام سرمربی عوض کند». اگرچه تاکتیک‌های کریک و نقش او در افت عملکرد منچستر یونایتد به درستی زیر ذره‌بین قرار خواهند گرفت، اما روشن است که مسئله اصلی، شورش بازیکنان علیه سرمربی نیست؛ بلکه ناامیدی از عملکرد کسانی است که در بالاترین سطوح باشگاه تصمیم‌گیری می‌کنند.
این انتقاد برای شرکت «اینیوس» و افرادی مانند ویلکاکس و کریستوفر ویول، مدیر جذب بازیکن باشگاه دردناک خواهد بود؛ اغلب به این دلیل که مارتینز از حقایق سخن می‌گوید. یونایتد بخشی از تابستان را صرف تلاش برای جذب الیوت اندرسون کرد؛ اما در نهایت شاهد پیوستن او به رقیب همشهری، منچستر سیتی بود. در عوض، این باشگاه یوری تیلمانس، آندری سانتوس و کارلوس بالبا را با مجموع هزینه‌ای حدود ۱۵۰ میلیون پوند به خدمت گرفت تا پروژه بازسازی خط میانی را به شکلی متفاوت پیش ببرد.

چند هفته بعد، به نظر می‌رسد تنها بالبا در حد استانداردهای مورد نیاز باشگاه ظاهر شده است. هزینه کردن ۵۰ میلیون پوند برای سانتوس، بازیکنی که حتی در جلسی نیز نتوانسته بود به طور منظم در ترکیب اصلی قرار بگیرد، در شرایطی که بخش‌های دیگری از تیم به سرمایه‌گذاری نیاز داشتند، اکنون تصمیمی به شدت ناشیانه به نظر می‌رسد؛ به‌خصوص اگر لوک شاو و پنج‌مین شکشو مصدوم باشند.
یونایتد با وجود شواهد فراوان مبنی بر اینکه پوشوا زیرکزی در حد جاه‌طلبی‌های این باشگاه نیست، برای جذب مهاجم جدیدی سرمایه‌گذاری نکرد. این تیم همچنین در تلاش برای به خدمت گرفتن لوئیس هال ناکام ماند و در نتیجه، تنها یک مدافع چپ تخصصی در فهرست بازیکنانش دارد.

سایر بخش‌های خط دفاعی نیز ظاهراً در اولویت قرار نداشتند؛ تا جایی که گزارش‌هایی منتشر شد مبنی بر اینکه مدیران ارشد قصد دارند

امید مافی |

در ضیافت شو را نگیز ثانی بن جاسم که با توفان آبی‌ها توأم شد، بخت با شماره ۲۰ یار بود و او پس از نمایش یک نیمه‌ای همراه با ساز و برگ لشکر پیروز، جشن گرفت و دور از وطن روی ابرها رژه رفت. آنجا در کویر، همای سعادت روی شانه‌های علیرضا کوشکی نشست و پسر گچساران پس از آخرین سوت قاضی استرالیایی میان هیچ و هست دوباره بال گشود.

■ فقط چند دقیقه پس از ورود توبه‌کارزار ثانی بن جاسم، استقلال تیر خلاص رازد. -خب آقا سهراب قصد داشت با فرستان‌من به‌زمین‌بار هجومی

سرمربی تیم ملی و ادامه وعده‌دادن‌ها

در جام ملت‌ها بهتر از جام جهانی خواهیم بود؟

مسئولیت ویژه خود برای این مسابقات آگاه است و برای حضور در جام ملت‌ها لحظه‌شماری می‌کنیم.
قلعه‌نویی در بخش دیگری از صحبت‌های خود به ارائه گزارش‌های فنی در جلسه هیئت رئیسه فدراسیون فوتبال اشاره کرد. او همچنین از رویکرد اعضای هیئت رئیسه در قبال تیم ملی قدردانی کرد و افزود: این حمایت می‌تواند به کاهش فشار از روی مجموعه تیم ملی کمک کند.

سرمربی تیم ملی در این خصوص هم اظهار کرد: در نشست هیئت رئیسه محترم فدراسیون، گزارش‌های فنی را ارائه کردم. حتماً حتماً حضور در هر مسابقه‌ای به ویژه اگر رقابت ملی باشد، برای امیرقلعه‌نویی فقط با کسب موفقیت و شادی دل مردم معنا پیدا می‌کند و برای این بازی‌ها هم همین موضوع صدق می‌کند. از هیئت رئیسه محترم فدراسیون هم تشکر می‌کنم که در رویکردهای خود در جلسه، همین نگاه را دنبال کردند که نشان‌دهنده درایت رئیس و هیئت رئیسه است که فشار را از روی تیم برداشتند؛ اما اعضای تیم ملی با همه توان برای رسیدن به موفقیت تلاش خواهند کرد.

سرمربی تیم ملی در پایان با تأکید بر جایگاه تیم ملی در میان مردم ایران، ابزار امیدواری کرد که دعای خیر هواداران همراه ملی‌پوشان باشد و کیفیت فنی تیم در جام ملت‌های آسیا نسبت به دوره‌های گذشته ارتقا پیدا کند: «تیم ملی خانه ۹۰ میلیون ایرانی است و دعای خیر مردم آن‌شاءالله همراه این تیم خواهد بود. یقین دارم کیفیت تیم ملی در جام ملت‌های آسیا از مسابقات قبلی بالاتر خواهد بود».

تابستان آینده خط دفاعی تیم را از نو بازسازی کنند. چنین رویکردی ساده‌انگارانه به نظر می‌رسد. نمی‌توان انتظار داشت تمام خریدهای یک باشگاه موفق از آب در بیایند؛ اما این راهبرد نشان می‌دهد برخی افراد کلیدی باشگاه اساساً نمی‌دانند چگونه باید یک باشگاه فوتبال را اداره کنند.

این دقیقاً هسته اصلی انتقاد مارتینز است؛ انتقادی که ظاهراً بازیکنان دیگر؛ به‌ویژه فرناندز نیز در آغاز فصل جاری نسبت به شرایط موجود دارند. می‌توان حدس زد که کریک و برخی بازیکنان وعده‌هایی درباره سرمایه‌گذاری برای تقویت ترکیب تیم دریافت کرده بودند؛ اما یونایتد در تابستان تنها ۱۶۳ میلیون پوند هزینه کرد. این مبلغ از هزینه‌کرد تمامی رقبای این تیم در جمع ۶ تیم برتر لیگ کمتر است؛ حتی باشگاه‌های تازه صعود کرده هال سیتی و ایپسویچ نیز در این مقایسه بالاتر قرار می‌گیرند. فضای خارج از زمین مسابقه نیز برای یونایتد تیره‌وتار شده که آن را در زمینه‌رسوایی اخیر مربوط به بلیت‌های فصلی به خوبی دیدیم.
البته عوام‌لی نیز وجود دارند که مهم‌ترین آن‌ها بدهی ۱/۱ میلیارد دلاری تحمیل شده به باشگاه از سوی خانواده گلپز است. با این حال اینیوس نیز نتوانسته دل هواداران را بدست بیاورد و در عوض، به آشفتنی‌ای افزوده که گلپزها طی حدود دو دهه گذشته ایجاد کرده‌اند. اکنون بخش بزرگی از امور فوتبالی باشگاه در اختیار اینیوس است؛ اما این مجموعه نتوانسته عملکرد قابل قبولی ارائه دهد؛ حالا روشن شده که بازیکنان نیز از شرایط موجود سرخورده‌اند.

منچستر یونایتد به یک حساب‌کشی جدی نیاز دارد. وقتی آن زمان فرا برسد، بی‌تردید خانواده گلپز باید در صدر فهرست افرادی قرار بگیرند که ضرورت دارد پاسخگو باشند؛ اما شماری از چهره‌های مرتبط با سهام‌داری اقلیت باشگاه نیز با پرسش‌های دشوار و ناخوشایندی روبه‌رو هستند که دیگر نمی‌توان از آن‌ها طفره رفت.

علیرضا کوشکی، مهاجم آبی‌ها در گفت‌وگو با قدس:

استقلال برای آقایی در آسیا کم و کسری ندارد

نشان داد. با وجود این، استقلال هرگز قائل به فرد نبوده و نیست و همه بازیکنان برای سربلندی فوتبال ایران سرشان را جلو توپ می‌گذارند. شک نکنید با هر ارتجی که به میدان برویم، تا پای جان می‌جنگیم.

■ اما علیرضا کوشکی، تو چقدر به آن وینگر زهرداری که در ۹۰ دقیقه‌های سخت، بوی گل می‌داد، نزدیک شده‌ای؟

-خوشبختانه در تعطیلات فیزیای، تمرینات منظمی را در ادوی استقلال پشت سر گذاشتم و عزم راسخ دارم بتوانم همان بازیکنی شوم که با نفوذهای موفق، خطرات زیادی ایجاد می‌کرد و با ایجاد بالانس در چپ و راست، روزهای سختی را برای مدافعان رقم می‌زد. خوشبختانه در حال حاضر آماده‌ام.

■ به تیم ملی هم فکر می‌کنی؟

-اگر نمایش قابل قبولی در استقلال داشته باشیم، بی‌شک دعوت خواهیم شد. امیدوارم در فرصت باقیمانده بتوانم نظر کادر فنی تیم ملی را جلب و در عرستان سعودی پیراهن سفید ایران اترنم کنم.

■ حالا باید به لیگ برگردید. فکر می‌کنی در نبرد پیش‌رو با گل‌گهر چه اتفاقی بیفتد؟

-عزم‌مابری پیششازی در ایران و آسیا جزم شده و در برابر گل‌گهر نیز با تمام‌توان به میدان خواهیم رفت و سه امتیاز مهم این بازی را هم دشت می‌کنیم تا در کورس قهرمانی باقی‌بمانیم.

واکاوی چرایی و چگونگی عقده سران غرب علیه تمدن ایران بزرگ به بهانه اظهارات اخیر وزیر خارجه آمریکا در یونان

تاریخ کینه شتری غرب از ایرانی‌ها



جواد نوائیان رودسری | مارکو روبیو، وزیر خارجه آمریکا هفتم اکتبر ۲۰۲۶ در «آگروپلیس» آتن در یونان، ضمن یک تحریف آشکار تاریخی، از «لشکرکشی خشایارشا» و «آتش گرفتن معابد آتن» سخن گفت. او در بخشی از این سخنرانی مدعی شد نیروهای خشایارشا در سال ۴۸۰ پیش از میلاد وارد آتن شدند و معابد آن را به آتش کشیدند. از نگاه اهالی تاریخ، بی هیچ شک و شبهه‌ای این سخنان نه یک تحلیل تاریخی؛ بلکه ابزاری تبلیغاتی برای توجیه جنگ کنونی علیه ایران است. واکنش‌ها به این اظهارات گسترده بود. علی‌اکبر ولایتی، مشاور بین‌الملل رهبر معظم انقلاب، در شبکه‌های اجتماعی نوشت: «آقای روبیو! مشکل شما با انقلاب اسلامی نیست؛ مشکل شما با تمدن قوی و مستقل ایران است.» او با اشاره به تناقض آشکار سخنان وزیر خارجه آمریکا افزود: «ایستادگی تا آخرین نفر در یونان باستان ستوده می‌شود؛ اما مقاومت ملت بزرگ ایران با برچسب فرقه مرگ تحقیر می‌شود... ستایش مقاومت برای خودی و تحقیر آن برای دیگری تمدن نیست، فلسفه‌بافی برای سلطه است».

سیدرضا صالحی‌امیری، وزیر میراث فرهنگی ایران در پاسخ به روبیو گفت: «ایران را نمی‌توان با یک جنگ، یک پادشاه یا یک دولت تعریف کرد. ایران یکی از قدیمی‌ترین تمدن‌های پیوسته جهان محسوب می‌شود و سهم بزرگی در توسعه فرهنگ، دانش و همزیستی دارد». وی افزود: «کسانی که خود را برتر و بی‌رقیب می‌پندارند، همیشه یک حقیقت را نادیده گرفته‌اند؛ قدرت‌ها می‌آیند و می‌روند؛ اما ملت‌هایی که بر حافظه، فرهنگ و هویت خود ایستاده‌اند، باقی می‌مانند». بهشید برخوردار، نماینده زرتشتیان در مجلس شورای اسلامی، در یادداشتی نوشت: «تاریخ را نمی‌توان گرینشی خواند» و روبیو را به کتاب پنجم هروُدوت ارجاع داد که در آن روایت حمله آتنی‌ها و ایونی‌ها به سارد در حدود سال ۴۹۸ پیش از میلاد و آتش زدن پرستشگاه آن ثبت شده است. او تأکید کرد: «ایران سرزمین فرهنگ، تمدن و ایستادگی است و تهدید و تحقیر نمی‌تواند اراده ملت ایران را درهم بشکند».

آنچه روبیو بر زبان آورد، ساخته و پرداخته ذهن بیمار او و رئیسش، ترامپ، نیست؛ غرب در مفهوم عام آن، قرن‌هاست که عقده و کینه ایران و ایرانی را در دل دارد. این سرزمین، در طول تاریخ چند هزار ساله‌اش همواره سدی استوار در برابر زیاده‌خواهی و توسعه‌طلبی غرب بوده و بارها و بارها بینی متجاوزان غربی را به خاک مالیده است. ایران مقتدر امروز، یادآور همان شکست‌های تاریخی است که امروز وحشیان غرب‌نشین را به بیان چنین سخنان خارج از حقیقت و نزاکتی وامی‌دارد. در این نوشتار برآنیم تا به پیشینه آنچه مورد اشاره قرار دادیم، بپردازیم؛ صفحاتی زرین از تاریخ ایران که بازخوانی‌اش هم عبرت‌آموز و هم غرورآفرین است.

■دست‌انقام در آستین پارتی‌ها

یکی از نخستین نمونه‌های آشکار دشمنی غرب با ایران، لشکرکشی اسکندر مقدونی به ایران است. اسکندر در سال ۳۳۰ پیش از میلاد، تخت جمشید، پایتخت تشریفاتی هخامنشیان را به آتش کشید. این اقدام نه یک حادثه تصادفی؛ بلکه «سیاست عمومی عامدانه و مهر‌نمادین بر کارزار رسمی انتقام» بود. پی‌ای. برانت، مورخ برجسته دانشگاه آکسفورد

در کتاب «اهداف اسکندر» می‌نویسد که اسکندر آتش زدن تخت جمشید را به‌عنوان انتقامی برای حمله خشایارشا به آتن توجیه کرد و این کارزار «پان‌هلنیستی» (یونانی‌زده) را «وفادارانه» به انجام رساند. این اقدام اسکندر ۱۵۰ سال پس از حمله خشایارشا، نمونه‌ای از «عقده تاریخی» غرب است که همواره می‌کوشد شکست‌های خود را با تخریب نمادهای تمدنی ایران جبران کند. «توماس هریسون»، باستان‌شناس بریتانیایی در کتاب «پرسپولیس» می‌نویسد: «آتش زدن تخت جمشید، نماد پیروزی غرب بر شرق بود؛ اما این پیروزی نظامی هرگز به تسلط فرهنگی تبدیل نشد». با وجود سلطه سیاسی و ۱۰۰ ساله یونانیان بر غرب آسیا، دست‌قدرت ایران این بار از آستین قوم «پارت» درآمد. مهرداد یکم توانست همه یونانیان را از ایران براند و پایتخت سیاسی آن‌ها در میان‌رودان، یعنی «سلوکیه» را به پایتخت ایران یعنی شهر «تیسفون» تبدیل کند. به دنبال پیروزی مهرداد، ایرانیان دوباره خروشیدند و توانستند ضمن احیای تمدن بزرگ خود، بارها و بارها یونانیان و سپس رومی‌ها را در میدان‌های گوناگون به خاک مذلت بکشانند. به این ترتیب، آرزوی اسکندر و یونانیان برای نابودی ایران و فرهنگ آن، بر باد رفت و سرزمین ما بر تارک تاریخ تمدن بشری درخششی دوچندان پیدا کرد.

■روزی که «والرین» به خاک افتاد

در دوره ساسانی، رومیان بارها از ایرانیان شکست خوردند. برجسته‌ترین نمونه، نبرد «آدسا» در سال ۲۶۰ میلادی است که در آن شاپور یکم، امپراتور روم، «والرین» را اسیر کرد. نوئل لنسکی، استاد تاریخ دانشگاه «پیل»، در کتاب «همراه کمبریج عصر کنستانتین» می‌نویسد: «در سال ۲۶۰ میلادی، بین کاره و آدسا، شاپور یکم ارتش روم را قاطعانه شکست داد و امپراتور والرین را اسیر کرد. او این دستاورد‌ها را برای آیندگان در نقش‌برجسته‌های نقش‌رستم و کعبه زرتشت به یادگار گذاشت». در این نقش‌برجسته، دو امپراتور روم به تصویر کشیده شده‌اند؛ یکی زانو زده و دیگری (والرین) بدون تاج و در حالی که میچ دست وی توسط شاپور ساسانی گرفته شده است. این تصویر، تا امروز بر سنگ‌های نقش‌رستم باقی مانده و گواهی بر شکست بزرگ و تحقیرآمیز غرب از ایران است.

■روایتی که واقعی به نظر نمی‌رسد

بسیاری از مورخان مدرن تصدیق کرده‌اند که روایت هروُدوت از نبرد دریایی «سالامیس» که میان ایران عصر خشایارشا و یونان درگرفت، دچار «نقص» است. در مقاله‌ای که در ژورنال مطالعات هلنی دانشگاه کمبریج منتشر شده، آمده است: «نقشه‌نبرد به کلی با آنچه مورخان مدرن ساخته‌اند، متفاوت بود». هروُدوت که مهم‌ترین راوی این نبرد است، «از پرداختن به اصل نبرد پرهیز و تمام توجه خود را به گزارش مسائل قبل و بعد از جنگ معطوف کرده است». این بدان معناست که روایت «شکست فاجعه‌بار» ایرانیان، خود ساخته‌ای تبلیغاتی برای غلبه دادن هویت «غرب در برابر شرق» بوده است.

■تکاپوهای استعماری برای ایجاد «ایران ضعیف»

در سال ۱۲۵۱ خورشیدی، ناصرالدین‌شاه قاجار امتیازی به «بارون جولیوس دو رویتر»، تبعه انگلیس اعطا کرد که احتمالاً بزرگ‌ترین امتیازی بود که تا آن زمان به یک خارجی در ایران واگذار شده بود. این امتیاز،

کنترل جاده‌ها، معادن، جنگل‌ها و منابع طبیعی ایران را برای ۷۰ سال به رویتر می‌داد. مورخان این امتیاز را «فاجعه‌بار» توصیف کرده‌اند و آن را زمینه‌ساز نهضت‌های بعدی علیه نفوذ غرب در ایران دانسته‌اند. این امتیاز با دخالت مردم و علما، به مرحله عملیاتی شدن نرسید و غربی‌ها را در مستعمره کردن ایران ناکام گذاشت.

■نخستین پیروزی بزرگ: در سال ۱۲۶۹ خورشیدی، ناصرالدین شاه امتیاز انحصار تنباکو را به شرکت بریتانیایی «تالبوت» واگذار کرد. واگذاری این امتیاز با واکنش شدید مردم و علما مواجه شد. میرزای شیرازی در سال ۱۲۷۰ خورشیدی فتوای معروف خود را درباره تحریم استعمال توتون و تنباکو صادر کرد. این فتوا به سرعت در میان مردم اجرایی شد و خروشی بزرگ را علیه نفوذ غرب و استعمار برانگیخت. به این ترتیب، شاه قاجار ناچار شد از واگذاری امتیاز عقب‌بنشیند و این بار شکست انگلیسی‌ها در کسب امتیاز مورد علاقه شاه، به یک افتضاح بین‌المللی تبدیل شد و آسیب سنگینی به اعتبار لندن در سرزمین‌های استعمارزده وارد کرد. این نخستین پیروزی بزرگ مردم ایران در برابر استعمار غرب بود. برای نخستین بار، یک قدرت اروپایی مجبور شد از امتیاز خود در ایران عقب‌نشینی کند و با وجود آغاز فرایند عملیاتی، از ادعاهای خود دست بکشد.

■نکته‌مهم: ما هرگز مستعمره نشدید

ایران یکی از محدود کشورهای آسیایی است که هرگز به مستعمره رسمی یک قدرت غربی تبدیل نشد. به اعتقاد برخی مورخان و پژوهشگران معاصر مانند «فیروزه کاشانی‌نایت»، استاد تاریخ دانشگاه پنسیلوانیا، «وضعیت ایران به‌عنوان تابع امپریالیسم اما نه مستعمره شده، منحصر‌به‌فرد است». این بدان معناست که غرب هرگز نتوانست ایران را به‌طور کامل تحت سلطه خود درآورد به همین دلیل همواره کوشید آن را ضعیف و وابسته نگه دارد.

■مشروطه و خیانت غرب

انگلیسی‌ها به صورت ضمنی از نهضت مشروطه ایران حمایت کردند. دلیل این حمایت، البته لحاظ کردن منافع و حق ایرانیان در این قضیه نبود. لندن نهضت مشروطیت را به نوعی، تضعیف‌کننده نفوذ روسیه تزاری، به عنوان رقیب انگلیس در ایران تلقی می‌کرد؛ اما این طرفداری دیری نپایید و دوباره به دام رقابت‌های امپریالیستی افتاد. در دسامبر ۱۹۱۱، اولتیماتوم (اتمام حجت) روسیه به تعطیلی مجلس منجر شد. روس‌ها به آذربایجان حمله کردند تا مفاد قرارداد ۱۹۰۷ را اجرایی کنند. در تبریز حمام خون به راه افتاد و ادوارد براون، ایران‌شناس معروف انگلیسی، لندن را مقصر اصلی کشتارهای سربازان تزار در تبریز معرفی کرد. این اقدام، یکی از تلاش‌های مهم غرب برای از کار انداختن حرکت ملی مردم ایران برای ایجاد تحول و تزریق اقتدار به سرزمین مادری‌شان بود. غربی‌ها پیش از این، در سال ۱۲۳۰ خورشیدی نقشی فعال در به‌شهادت رساندن میرزاتقی‌خان امیرکبیر ایفا کردند تا حرکت ایران به سوی استقلال تمام‌عیار و تبدیل شدن به یک قدرت بزرگ در آسیا را متوقف کنند. این خیانت‌های آشکار، بعدها و در جریان ملی شدن صنعت نفت نیز تکرار شد و مصدق که گمان می‌کرد می‌تواند روی حمایت آمریکایی‌ها حساب باز کند، در دام تزویری غرب و کینه دیرینه آن از ایران مقتدر و مستقل افتاد.

■نقش غرب در جنگ تحمیلی هشت‌ساله

جنگ تحمیلی هشت ساله (۱۳۶۷-۱۳۵۹ خورشیدی) یکی از آشکارترین نمونه‌های دشمنی غرب با ایران است. غربی‌ها در اوج این جنگ و زمانی که ایران توانسته بود پیروزی‌های گسترده‌ای بدست آورد، به داد صدام رسیدند و با وجود تحریم‌های کمرشکن علیه ایران، موج تسلیحات و کمک‌های نظامی را به بغداد سرازیر کردند. وحشتناک‌ترین بخش این روند، مسلح کردن صدام به سلاح‌های شیمیایی بود. کشورهای مانند آلمان در تأمین مواد مورد نیاز سلاح‌های کشتارجمعی رژیم بعث نقشی مهم ایفا کردند. این حمایت‌ها بخشی از برنامه غرب برای جلوگیری از شکل گرفتن ایران مستقل و قدرتمند بود. هرچند غربی‌ها در آن زمان به کل منکر این حمایت همه‌جانبه بودند؛ اما بعدها با افشای اسناد معتبر، افشاحی بین‌المللی شکل گرفت. در دسامبر سال ۱۹۹۸ میلادی، موضوع حمایت انگلیس از اقدام‌های وحشیانه صدام در استفاده از سلاح‌های شیمیایی، به مجلس عوام بریتانیا کشیده شد و برخی از نمایندگان مطلع، به این حمایت همه‌جانبه تصریح کردند.

■چرا این عقده و کینه تمام نمی‌شود؟

ادوارد سعید، استاد فقید ادبیات تطبیقی دانشگاه کمبلیا، در کتاب «شرق‌شناسی» خود نشان می‌دهد که غرب همواره «شرق» را به‌عنوان «دیگری»، غیرمتمدن، غیرعقلانی و خطرناک تصویر کرده و این تصویرسازی، ابزاری برای توجیه سلطه و مداخله همیشگی بوده است. در مورد ایران، این نوع نگاه به شرق، شدت بیشتری دارد. مطالعات نشان می‌دهد رسانه‌های غربی، ایران را از طریق «کلیشه‌های شرق‌شناسانه» و «تقابل دوتایی بین غرب و ایران» تصویر می‌کنند و این کشور را نه فقط «غیرمتمدن»؛ بلکه به مثابه تهدیدی جدی علیه منافع خود نشان می‌دهند. در واقع آنچه در غرب جا افتاده، نوعی معماری دشمنی به طور سیستماتیک است تا بتواند در هر شرایطی ایران را متجاوز و اعمال ایرانیان را غیرانسانی نشان دهد و به اقدام‌های رذیلانه علیه کشور ما، مشروعیتی ساختارمند ببخشد. واقعیت این است که تصویرسازی فوق، ریشه در شکست‌های تاریخی غرب از ایران دارد. غربی‌ها هرگز نتوانسته‌اند ایران را به‌طور کامل تحت سلطه خود درآورند. از اسکندر که تخت جمشید را آتش زد؛ اما نتوانست هویت ایرانی را نابود کند، تا رومیان که والرین را از دست دادند، تا بریتانیا که هرگز نتوانست ایران را مستعمره کند، تا آمریکا که در نزدیک به پنج دهه گذشته نتوانسته انقلاب اسلامی ایران را مغلوب کند؛ این شکست‌های پیایی، عقده‌ای در روان جمعی سردمداران غربی پدید آورده که امروز به شکل دشمنی ویرانگر بروز پیدا می‌کند؛ نوعی وحشی‌گری افسارگریخته که با اتهام‌های واهی توجیه می‌شود.

■ایران ایستاده است

روبیو در آتن از «تمدن غرب در معرض خطر» سخن گفت و کوشید ایران را دشمن تاریخی غرب معرفی کند؛ اما حقیقت این است که این غرب است که در طول تاریخ؛ از زمان اسکندر تا امروز، همواره در آرزوی تسلط بر ایران و شکستن اراده این ملت بوده و همیشه ناکام مانده است. تاریخ به ما می‌گوید که ایران، سرزمینی با تمدن چندهزار ساله و ریشه‌دار، هرگز تسلیم این زورگویی و تحقیر نخواهد شد.

نگاه

معمار کانال سوئز؛ ایرانی یا فرانسوی؟!

نوائیان | آبراهه سوئز، امروزه دریای مدیترانه را به دریای سرخ متصل و به لحاظ اقتصادی، نقشی راهبردی در اقتصاد و حمل و نقل جهان ایفا می‌کند؛ آبراهه‌ای به طول ۱۹۲ کیلومتر که غربی‌ها دوست دارند آن را حاصل طراحی فریدناند دولسپس، مهندس فرانسوی در دهه ۱۸۶۰ بدانند؛ رویکردی که معمولاً اروپایی‌ها و آمریکایی‌ها برای مصادره به مطلوب هر اثر برجسته مادی و معنوی تاریخ بشريت در پیش می‌گیرند و به مدد غول‌های رسانه‌ای خود، به آن پر و بال می‌دهند؛ در حالی که واقعیت چیز دیگری است.

■ یک فکر پرسابقه

فکر اتصال دو دریای مهم مدیترانه و سرخ، مربوط به یکی دو قرن اخیر نیست؛ از هزاران سال پیش و در واقع از عهد فرانعه، متصل کردن این دو دریا به عنوان یک طرح بلندپروازانه و مهم، مد نظر حاکمان و فاتحان بوده است. ابوریحان بیرونی، دانشمند و جغرافی‌دان بزرگ ایرانی در کتاب «تحدید‌نهایات الاماکن لتصحیح مسافات المساکن» از «ساسس‌طراطیس» به عنوان فرعونی یاد می‌کند که فرمان ساخت این آبراهه را داد؛ فرعونی که احتمالاً همان «نخائو» مندرج در کتاب تاریخ هروُدوت باشد؛ اما فرانعه نتوانستند این طرح را به سرانجام برسانند؛ شاید هنوز فناوری لازم را نداشتند و شاید هم جسارت کافی را! وقتی در سال ۵۲۵ قبل از میلاد، کمبوجیه، پسر کوروش یکم، عرض صحرای سینا را درنوردید و مصر را به بخشی از فرمانروایی بزرگ ایران تبدیل کرد، هنوز آبراهه‌ای برای اتصال دریای مدیترانه و دریای سرخ ساخته نشده و ماجراجویی‌های فرانعه پیشین نیز، نیمه کاری رها شده بود. همه می‌ترسیدند که این اقدام سبب شود سراسر مصر زیر آب فرو رود و نشانی از آن باقی نماند. با مرگ کمبوجیه، مصر نیز مانند دیگر مستملکات ایران در شورشی گسترده فرو رفت؛ شورشی که سرانجام به دست یکی از پسران دودمان هخامنش سرکوب شد؛ داریوش هخامنشی.

■تاریخی که تحریف نمی‌شود

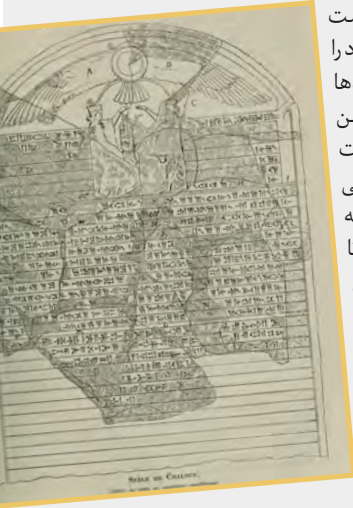
هنگامی که داریوش مصر را آرام کرد و پا به این سرزمین کهنسال گذاشت، موضوع ایجاد آبراهه نزد او مطرح شد؛ شاید هم کارهای نیمه‌تمام فرانعه را دید و خواست آن را به اتمام برساند. هر چه بود، داریوش هخامنشی برای ساخت آبراهه تصمیم قاطع گرفت. مورخان غربی عموماً به این مسئله اشاره می‌کنند؛ اما بیشتر آن‌ها مانند «استرابون» معتقدند که داریوش هم از این فکر، طرفی نیست و ساخت کانال تا عهد بطالسه که وارثان اسکندر مقدونی و برخاسته از غرب بودند، به تأخیر افتاد؛ اما اسناد غیر قابل تردیدی وجود دارد که نشان می‌دهد نخستین افتتاح‌کننده راهبردی‌ترین آبراهه دنیای قدیم، کسی جز داریوش هخامنشی نبوده است.

■۵ کتیبه تاریخی داریوش در مصر

اسناد غیر قابل تردید عبارت‌اند از پنج کتیبه به یادگار مانده از داریوش هخامنشی که امروز در مصر، همچنان استوار باقی مانده و توان و قدرت ایران و ایرانی را به رخ جهان می‌کشند. آبراهه‌ای که توسط ایرانیان ساخته شد و به‌یهربرداری رسید، مسیری غیر از کانال سوئز امروزی را طی می‌کرد. این آبراهه از کرانه‌های دریای سرخ آغاز می‌شد و پس از طی کوتاه‌ترین مسیر به سمت غرب، به رود خروشان نیل می‌رسید. پنج کتیبه داریوش در این مسیر قرار دارند؛ کتیبه نخست در دهانه آبراهه، کتیبه دوم در شهر شلوف که امروز در وسط میدانی در این شهر واقع است، کتیبه سوم در ابتدای دریاچه تلخ، کتیبه چهارم در شهر سرابیوم و پنجمین کتیبه در تل مسخوطه. بیشتر بخش‌های این کتیبه‌ها، امروزه نابود شده؛ اما این نابودی چنان نیست که نتوان به راز آن‌ها پی برد. در کتیبه‌ای که در ابتدای آبراهه نصب شده است، می‌خوانیم: «هاورامذا خدای بزرگی است؛ اوست که آسمان را آفرید؛ اوست که به زمین وجود بخشید؛ اوست که آدمی را خلق کرد؛ اوست که شادی را به آدمی ارزانی داشت؛ اوست که داریوش را فرمانروا کرد؛ اوست که داریوش را شهرپاری بزرگ با مردمان و اسبان خوب قرار داد... من داریوش هستم... فرمانروای این سرزمین بزرگ، پهنوار و بیکرانه، پسر ویشتاسپ، یک هخامنشی». سپس با غرور می‌افزاید: «داریوش می‌گوید: من پارسی‌ام! از پارس آمدم و مصر را گرفتم. من فرمان‌کنن این آبراهه را از رودی به نام نیل که در مصر روان است، به سوی دریایی که به پارس می‌رود، صادر کردم. همان طور که فرمان دادم، انجام شد؛ این خواست من بود که ناوگانم، از این آبراه بگذرد و رهسپار پارس شود».

■فرجام آبراهه ایرانی در سرزمین فرانعه

آبراهه‌ای که با فرمان داریوش هخامنشی ساخته شد، قرن‌ها به حیات خود ادامه داد؛ اما بی‌توجهی برخی حکام نسبت به آن و درگیری‌های داخلی و جنگ‌های بیپای، فرمانروایان را از پاسداری آن غافل کرد و به تدریج و با رسوبات فراوانی که بر کف آن نشست می‌کرد، کارایی خود را از دست داد. بعدها بخش‌هایی از این آبراهه، برای ساخت آبراهه داخلی «اسماعیلیه» به کار گرفته شد تا هنر مهندسان ایرانی، پایداری چند هزار ساله خود را به رخ جهانیان بکشند.



روایت تورج سلیمانی از شکل‌گیری یک تشکل مردمی وسال‌ها تلاش برای احیای طبیعت و آموزش‌های زیست‌محیطی در تایباد

دلسوز آب و خاک و آهو‌ها

عباسعلی سپاهی یونسی | در تایباد، جایی که خشک‌سالی، فرسایش خاک، برداشت بی‌رویه آب و گسترش پسماندها هر کدام بخشی از زندگی روزمره مردم را تحت تأثیر قرار داده‌اند، گروهی از شهروندان تصمیم گرفتند به جای تماشای مشکلات، برای حل آن‌ها قدمی بردارند. تورج سلیمانی، پرستار بازنشسته و از فعالان محیط زیست منطقه، از جمله کسانی است که از دل علاقه به کوه‌نوردی و مشاهده آسیب‌های طبیعت، به پیگیری مسائل محیط زیستی رسید. حاصل این مسیر، شکل‌گیری «پویش سبز سرزمین طبیات» در سال ۱۳۹۶ و همراهی گروهی از مردم، کارشناسان و داوطلبان در اقدام‌هایی مانند احیای مراتع، مقابله با کانون‌های گردوغبار، حفاظت از حیات وحش، پیگیری تخلفات آبی و آموزش دانش‌آموزان بوده است. روایت سلیمانی، داستان کار یک فرد به‌تنهایی نیست؛ قصه پیوند دادن توان مردم و کارشناسان و پیگیری مستمر مسئله‌هایی است که حل آن‌ها به زمان، آگاهی و همکاری نیاز دارد. با سلیمانی در دفتر انجمن خیرین سلامت در تایباد به گفت‌وگو نشستیم که بخش دیگری از فعالیت‌های او و دوستانش گفت‌وگویی دیگر را می‌طلبد، اما کوتاه بگویم که تایباد باید برای داشتن تورج سلیمانی به خود ببالد.

از فوتبال و کوه‌نوردی تا دغدغه محیط زیست

من متولد سال ۱۳۴۸ هستم. پدرم نظامی بود به‌همین دلیل در سال‌های ابتدایی زندگی، مدتی در تایباد و مدتی در خواف زندگی کردیم. پس از آن بیشتر در تایباد ماندیم. در کودکی با طبیعت ارتباط مستقیم داشتم، اما گاهی از ناآگاهی به آن آسیب هم می‌زدم؛ مثلاً گنجشک شکار می‌کردم.

از دوران دبیرستان به فوتبال علاقه‌مند شدم و سال‌ها در تیم استقلال تایباد بازی کردم؛ هم در لیگ استان و هم در مسابقات دانشگاهی. اما به دلیل یک مشکل مادرزادی، فعالیت ورزشی برایم دشوار شده بود. سال ۱۳۸۴ جراحی قلب باز کردم و مدتی بعد، یکی از دوستان دانشگاهی‌ام پیشنهاد داد برای کوه‌نوردی به ارتفاعات جنوبی مشهد و قله زو برویم. همان برنامه آغاز مسیر تازه‌ای شد. از آن به بعد، کوه‌نوردی کم‌کم به علاقه جدی من تبدیل شد. در کوه و طبیعت، فقط زیبایی‌ها را نمی‌دیدیم؛ با زیاله‌هایی روبه‌رو می‌شدیم که در مسیررها شده بودند، درخت‌هایی که آتش زده بودند، شکار و چرای خارج از فصل و نشانه‌های تخریب مراتع. این مشاهدات موجب شد از محدوده کوه‌نوردی فراتر بروم و با تعدادی از دوستان همراه به وضعیت کلی منطقه فکر کنیم. مطالعه نشان داد مشکلات آب، کشاورزی، پسماند و فرسایش خاک به هم پیوسته‌اند و علاقه به طبیعت، بدون شناخت و برنامه کافی نیست. در سال ۱۳۹۶ تصمیم گرفتیم گروهی از افراد دغدغه‌مند را دور هم جمع کنیم. تخصص‌هایمان متفاوت بود؛ من پرستار بودم، دوستانی در کشاورزی، معدن، منابع طبیعی و مسائل آب تخصص داشتند و با فعالان حوزه محیط زیست هم ارتباط گرفتیم. هدف من و دوستانم روشن بود: مشکلات منطقه را بشناسیم و برای حل‌هم کار راه‌حلی عملی پیدا کنیم. جلسات هفتگی برگزار و درباره این صحبت می‌کردیم که کدام مسئله فوری‌تر است و چه کاری از دست ما برمی‌آید. این جمع در نهایت با نام «پویش سبز سرزمین طبیات» ثبت شد.

وقتی یک چشمه را از طبیعت جدا کردند

یکی از نخستین موضوع‌هایی که پیگیری کردیم، ماجرای چشمه‌ای در تنگلی حوالی روستای سوران بود. شخصی آب چشمه را با لوله به سمت زمین‌های کشاورزی هدایت کرده بود و این کار به زیستگاه طبیعی منطقه آسیب می‌زد. آن محدوده پوشش گیاهی ارزشمندی داشت؛ از زرشک و بید گرفته تا زالزالک و گونه‌های دیگر. وقتی آب از مسیر طبیعی خود جدا می‌شد، حیات آن محدوده هم در معرض خطر قرار می‌گرفت. موضوع را با مردم روستا در میان گذاشتیم و در مسجد درباره پیامدهای این کار صحبت کردیم. بعد به سراغ مسئولان رقتیم و خواستار رسیدگی شدیم. کار با یک نامه یا یک جلسه تمام نمی‌شد؛ لازم بود پیگیری ادامه پیدا کند و مردم هم بدانند چرا باید از چشمه و زیستگاه اطرافش حفاظت کنند. در نهایت، موضوع جدی‌تر شد. اعتراض مردمی شکل گرفت و با پیگیری‌های انجام‌شده لوله‌ها جمع‌آوری و تخریف متوقف شد. برای ما این اتفاق مهم بود؛ چون نشان داد اگر مردم مسئله را بشناسند و نهادهای مسئول هم پای کار بایانند، می‌توان از ادامه یک آسیب جلوگیری کرد. این تجربه نشان داد فعالیت محیط‌زیستی تنها نهال کاری و پاک‌سازی نیست؛ گاهی باید با گفت‌وگو با مردم و پیگیری قانونی از یک منبع آب یا زیستگاه دفاع کرد.



تاغ و آنگوزه در کانون گردوغبار

یکی از مشکلات جدی تایباد، گردوغبار ناشی از فرسایش بادی در دشت محسن آباد بود. در محدوده‌ای نزدیک به ۴۰ هزار هکتار، به دلیل چرای بی‌رویه و تخریب پوشش گیاهی، مرتع در وضعیت بسیار نامناسبی قرار گرفته بود. در بعضی روزهای تابستان، گردوغبار آن قدر شدید می‌شد که راننده‌ها مجبور بودند کنار جاده توقف کنند، چون دید کافی نداشتند. سطح زمین خشک و کوبیده شده بود و حتی بوته‌های اندکی هم که می‌توانستند خاک را نگه دارند، باقی نمانده بودند. منابع طبیعی سال‌ها در آن محدوده تاغ‌کاری کرده بود، اما نتیجه پایدار نبود؛ دام‌وارد منطقه می‌شد و نهال‌ها از بین می‌رفتند. بنابراین باید راهی پیدا می‌کردیم که هم مرتع احیا شود و هم مردم محلی انگیزه‌ای برای مراقبت از آن داشته باشند. در بررسی‌هایمان متوجه شدیم در بجزستان کشت آنگوزه انجام می‌شود. آنگوزه گیاهی کم‌آبر است و محصول آن ارزش اقتصادی دارد، اما برای استقرار و رسیدن به مرحله برداشت به زمان و حفاظت نیاز دارد. این ویژگی می‌توانست فرصتی باشد تا احیای مرتع با درآمد مردم پیوند بخورد.

با هزینه شخصی و کمک بخشداری و فرمانداری، تعدادی از دهیاران و اعضای شوراهای روستایی مرتبط را به بجزستان بردیم تا از نزدیک کشت آنگوزه و شیوه بهره‌برداری را ببینند. می‌خواستیم به جای اینکه فقط درباره سود آن توضیح بدهیم، خودشان از کشاورزان و بهره‌برداران بشنوند. پس از بازگشت، در مسجد روستای محسن آباد چند جلسه گذاشتیم. درباره فرسایش خاک، ارزش پوشش گیاهی، نیاز به فرق مرتع و امکان کاشت آنگوزه میان بوته‌های تاغ توضیح دادیم. به مردم گفتیم اگر چند سال از چرای دام در محدوده جلوگیری شود، بعداً خودشان از احیای مرتع و محصول آن بهره‌می‌برند.

برای همراه کردن خانواده‌ها، در مدارس هم از دانش‌آموزان خواستیم درباره تاغ و آنگوزه مطلب بنویسند و نقاشی بکشند؛ چون حفاظت وقتی ماندگار می‌شود که نسل بعد ارزش مرتع را بدانند. سپس با منابع طبیعی هماهنگ کردیم و پیشنهاد دادیم ابتدا ۴۰ هکتار را با هزینه و نیروی خودمان آماده و کشت کنیم، بدون اینکه هزینه‌ای از آن بخواهیم. خوشبختانه هر چه شد در کنار فعالیت ما اداره منابع طبیعی هم ۲۵۰ هکتار را در برنامه‌اش قرار بدهد که این اتفاق افتاد. بخش نخست کار در سه تا چهار روز انجام شد؛ در حالی که اجرای طرح‌های اداری معمولاً زمان بیشتری می‌برد. با وجود تردید مردم پس از چند سال خشک‌سالی، بارندگی به استقرار نهال‌ها کمک کرد. هدف فقط کاشت نبود؛ می‌خواستیم با قرق و مراقبت، پوشش گیاهی برگردد و خاک تثبیت شود.

آموزش، حیات وحش و کار داوطلبانه

من و دوستانم از ابتدا به این نتیجه رسیدیم که آموزش‌های محیط‌زیستی باید

از مدرسه آغاز شود. برای همین، برنامه‌هایی در مدارس اجرا و درباره زاله، آب، پوشش گیاهی و حفاظت از طبیعت با دانش‌آموزان صحبت کردیم. آن‌ها در برنامه‌های مختلف کاشت درخت، پاک‌سازی و مناسبت‌هایی مانند روز زمین و روز هوای پاک مشارکت داشتند. در یکی از برنامه‌های درخت‌کاری، حدود هزار و ۶۰۰ دانش‌آموز همراه شدند و در مجموع، تا امروز چند هزار نفر در برنامه‌های پاک‌سازی و فعالیت‌های محیط‌زیستی مشارکت کرده‌اند. در دوره‌های آموزشی ما هم چند صد معلم حضور داشته‌اند. تلاشمان این بود که آموزش تنها به یک سخنرانی محدود نشود و بچه‌ها فرصت داشته باشند در عمل هم کاری انجام دهند. در روستاها، ورودی شهر، اطراف آرامگاه مولانا ابوبکر تایبادی و فضاهای ورزشی درخت کاشتیم. گاهی هم جلو خانه‌ها، تا خانواده‌ها مراقبت را بر عهده بگیرند. هدف فقط افزایش آمار کاشت نبود، بلکه زنده ماندن درخت‌ها بود. مسئله دیگری که من و دوستانم ورود پیدا کرده‌ایم حوزه حیات وحش است چون اداره محیط زیست تایباد با دو نیرو و امکانات اندک، محدوده وسیعی را پوشش می‌دهد. در منطقه شکار ممنوع چاق‌قعه و دشت کرات، زیستگاه مناسبی برای آهو وجود دارد. در سال‌های خشک‌سالی، منابع آب کوچک و فصلی به سرعت خشک می‌شدند و حیوانات برای دسترسی به آب به سمت چاه‌های کشاورزی یا روستاها می‌آمدند. در دوره‌ای، شمار آهو‌ها در سرشماری به کمتر از ۱۰۰ رأس رسیده بود برای همین ما با همکاری اداره محیط زیست و همراهی داوطلبان، ۹ آبشخور ایجاد کردیم. برای این کار تا نگر و مصالح تهیه شد و جاهایی که امکان استفاده از آن‌ها وجود داشت، پاک‌سازی یا لایروبی شدند. مخازن آب به‌صورت دوره‌ای پر می‌شوند؛ گاهی هر ۱۲ روز و در زمان‌های دیگر با فاصله بیشتر، بسته به فصل و شرایط منطقه. در سرشماری پاییز سال گذشته، شمار آهو‌ها حدود ۵۴۰ رأس اعلام شد. نمی‌توان این افزایش را فقط نتیجه یک اقدام دانست، اما فراهم کردن آب و رساندن علوفه در زمستان به حیوانات و پیگیری حفاظت از زیستگاه، بخشی از تلاش جمعی برای بهبود شرایط حیات وحش بوده است. منطقه گونه‌های دیگری از جمله قوچ، میش و هوبره نیز دارد که حفاظت از آن‌ها به مدیریت بهتر زیستگاه نیازمند است. بخش دیگری از کار من به رسیدگی به حیوانات آسیب‌دیده مربوط می‌شود. سابقه پرستاری و تجربه کار در بخش درمان، در بعضی موارد به من کمک کرده است؛ اما این فعالیت را جایگزین دامپزشکی نمی‌دانم. مواردی که نیاز به درمان تخصصی دارند با دامپزشکان و اداره محیط زیست هماهنگ شده و گاهی حیوانات برای درمان به مراکز تخصصی ارجاع داده می‌شوند. هدف این است که حیوان آسیب‌دیده، در صورت امکان، درمان شود و به طبیعت برگردد. در کنار آن، به دلیل ارتباط کاری و فعالیت در حوزه امور خیریه، همچنان به بیماران که مشکلات مالی دارند کمک می‌کنم. از ابتدا هم تلاش کرده‌ام خدماتی که از دستم برمی‌آید را تا جای ممکن بدون دریافت هزینه ارائه کنم.

امسال آفت ملخ کوهان‌دار به تاغ‌زارهای منطقه آسیب زد. این آفت می‌تواند به بوته‌های تاغ آسیب بزند و اگر به‌موقع مهار نشود، تلاش چند ساله برای احیای مرتع را تهدید کند. ما پس از بررسی موضوع، با استفاده از ظرفیت دوستان و داوطلبان، تراکتور و تجهیزات سم‌پاشی را فراهم و در مهار آفت به دستگاه‌های مسئول کمک کردیم. تأمین تجهیزات و مواد مورد نیاز هزینه‌بر بود، اما اگر تاغ‌زارها از بین می‌رفتند، خسارت بسیار بیشتری به طبیعت منطقه وارد می‌شد. این تجربه هم نشان داد تشکل‌های مردمی می‌توانند در کنار دستگاه‌های دولتی نقش پشتیبان داشته باشند. به‌ویژه وقتی امکانات رسمی برای پوشش تمام منطقه کافی نیست.



آب، کشاورزی و مسئولیت مردم

مسئله آب از دغدغه‌های اصلی ماست. سال‌ها پیش پژوهشگری درباره بحران آب در دشت تایباد هشدار داده بود؛ آن زمان تعداد چاه‌های عمیق کشاورزی بسیار کمتر از امروز بود. اکنون شمار چاه‌های مجاز زیاد شده و درباره تعداد چاه‌های غیرمجاز نیز نگرانی وجود دارد. در منطقه‌ای که بخش بزرگی از اقتصاد آن به کشاورزی وابسته است، کاهش آب زیرزمینی فقط یک مسئله محیط‌زیستی نیست؛ آینده معیشت مردم را هم تحت تأثیر قرار می‌دهد. برای همین در همکاری سمن ما و اداره آب منطقه‌ای تعداد زیادی چاه غیرمجاز، دست‌اندازی به چشمه‌ها و... مورد پیگیری قرار گرفت و برای آن‌ها پرونده تشکیل شد. البته مقابله با برداشت غیرمجاز آب کار ساده‌ای نیست و به همکاری دستگاه‌های مسئول و استمرار نظارت نیاز دارد. همچنین درباره کشاورزی گفت‌وگو کردیم؛ زیرا سرخم عمیق و مکرر، ساختار خاک را مختل و حفظ آن به نگهداری رطوبت و کاهش فرسایش کمک می‌کند. پسماندهای کشاورزی به‌ویژه پلاستیک‌هایی که برای کشت‌های زیرپلاستیکی استفاده می‌شوند، مسئله و معضل دیگر تایباد بود. در گذشته، در مسیرهای اطراف تایباد پهنه‌های بزرگی از پلاستیک دیده می‌شد که پس از مصرف در زمین باقی می‌ماند. برای حل این مشکل با یک فعال اقتصادی که در زمینه باز یافت فعالیت می‌کرد ارتباط گرفتیم و تلاش کردیم زمینه جمع‌آوری و انتقال پلاستیک‌های کشاورزی را فراهم کنیم. تأمین محل و آب مورد نیاز مجموعه و ارتباط دادن اوا با کشاورزان، بخشی از کار بود. این روند حدود سه سال ادامه یافت، از آلودگی جلوگیری و برای جمع‌کنندگان ضایعات درآمد ایجاد کرد. به‌تدریج کشاورزان نیز پلاستیک مصرف‌شده را برای باز یافت جمع کردند.

موضوع آب در پروژه انتقال پساب تایباد برای صنایع فولاد از دیگر برنامه‌هایی بود که گروه ما آن را پیگیری کرد. نگرانی ما این بود که تصمیم‌های مربوط به انتقال آب، بدون ارزیابی کافی از پیامدهای زیست محیطی و فشار بر منابع منطقه گرفته شود. مسیر خط انتقال، حدود ۵۶ کیلومتر از اراضی و مراتع را درگیر می‌کرد و عملیات اجرایی هم آسیب‌هایی به زمین وارد کرده بود آن هم در حالی که با تصفیه می‌توان از پساب برای فضای سبز شهری

و... در همین شهر خودمان استفاده کنیم، ما اسناد و اعتراض‌ها را به اداره آب منطقه‌ای، فرمانداری، نماینده مجلس، دادستانی و اداره کل محیط‌زیست ارائه کردیم. طوماری با امضای حدود ۷ هزار نفر نیز تهیه شد و موضوع را از مسیرهای قانونی دنبال کردیم. بخشی از روند تغییر کرد یا به تأخیر افتاد، اما همه نگرانی‌ها برطرف نشد و طرح در بخش‌هایی پیش رفت. این تجربه نشان داد مطالبه‌گری عمومی اثرگذار است، اما مسائل آب به پیگیری مستمر نیاز دارد.

کار محیط زیستی، کار یک نفر نیست

در کنار این فعالیت‌ها، با مسئله پسماند شهری و مشکلات شیرابه و دفع زیاله نیز روبه‌رو بودیم. گاهی حتی برخی مسئولان محلی از نزدیک وضعیت محل دفن زیاله را ندیده بودند. تلاش کردیم این مسائل از حالت موضوعی پنهان خارج شود و مسئولان و مردم بدانند پسماند پس از جمع‌آوری چه مسیری را طی می‌کند و چه اثری بر خاک، آب و سلامت دارد. در حوزه پسماند بیمارستانی و فاضلاب نیز پیگیری‌هایی از مسیرهای رسمی انجام داده‌ایم، چون راه‌شدن پسماند عفونی یا ورود آلودگی به منابع آب می‌تواند پیامدهای جدی داشته باشد. تغییر با اقدام کوچک آغاز می‌شود، اما برای ماندگاری به دانش و استمرار نیاز دارد. نهال کاری بدون مراقبت، آبشخور بدون تأمین منظم آب و آموزش تک جلسه‌ای نتیجه پایداری ندارند. تلاش کرده‌ایم با نظر کارشناسان منابع طبیعی، آب، کشاورزی و حیات وحش پیش برویم.

در پویش سبز سرزمین طبیات، افراد مختلف هر کدام بخشی از کار را پیش می‌برند. گروه کوه‌نوردی و داوطلبان، پشتوانه مهمی برای اجرای برنامه‌ها هستند و در کنار آن، ارتباط با آموزش و پرورش، شهرداری، فرمانداری، منابع طبیعی و محیط زیست امکان پیشبرد کار را بیشتر می‌کند. برخی همراهان اولیه بعدها مسئولیت‌های دیگری گرفتند، اما ارتباط‌های شکل گرفته همچنان در همکاری‌ها مؤثر است. من خودم را قهرمان این کارها نمی‌دانم. اگر نقشی داشته باشم، بیشتر این بوده که آدم‌ها را به هم وصل کنم؛ کارشناسی را که دانش دارد به گروهی که می‌خواهد کاری انجام دهد معرفی کنم، مردم را با یک مسئله آشنا کنم و پیگیری را تا رسیدن به نتیجه ادامه بدهم. محیط زیست؛ خانه و مادر ماست و مراقبت از آن نباید به یک فرد یا یک اداره محدود شود. علاقه و انگیزه لازم است، اما کافی نیست؛ باید دانش هم داشت، از متخصصان کمک گرفت و با مردم همراه شد. اگر این سه در کنار هم قرار بگیرند، حتی در منطقه‌ای با کمبود امکانات هم می‌توان گام‌های مؤثری برداشت.

واقعاً نتیجه کارهای محیط‌زیستی، فوری دیده نمی‌شود. گاهی باید چند سال صبر کرد تا پوشش گیاهی تثبیت شود یا مردم به شیوه‌ای تازه عادت کنند. همین موضوع اهمیت اعتمادسازی را بیشتر می‌کند؛ مردم باید بداند چرا کاری انجام می‌شود، چه منفعتی برای منطقه دارد و سهمشان در حفظ نتیجه چیست. بدون همراهی مردم، طرح‌های خوب هم دوام نخواهند داشت.



صاحب امتیاز: مؤسسه فرهنگی قدس وابسته به آستان قدس رضوی
مدیرعامل و مدیرمسئول: علی یعقوبی سردبیر: نسیم محسن اسدلی

● صندوق پستی: ۵۷۷ - ۹۱۷۳۵
● دفتر تهران: بولوار کشاورز، بین کارگر و جملازاده، شماره ۳۳۶
● تلفن: ۶۶۹۳۳۵۵ (۰۲۱)
● فاکس: ۶۶۴۳۰۱۲۲ (۰۲۱)
● پیامک: ۳۰۰۰۴۵۶۷
● ارتباطات مردمی: ۳۷۶۱۰۰۸۶ (۰۵۱)
● امور مشتریان: ۳۷۶۱۸۰۴۴-۵ (۰۵۱)

● روابط عمومی: ۳۷۶۲۵۸۷ (۰۵۱)
● شمار سردبیر: ۳۷۶۱۰۰۸۷ - ۳۷۶۸۴۰۰۴ (۰۵۱)
● سازمان آگهی‌ها: ۳۷۶۲۸۲۰۵ - ۳۷۶۰۸۸ (۰۵۱)
● آگهی: ۳۷۶۱۰۰۸۵ (۰۵۱)
● سفارشات چاپی: ۳۷۶۷۶۵۹۶ (۰۵۱)
● چاپ مشهد: مجتمع چاپ و نشر قدس
● چاپ هرمزان تهران: چاپخانه جاجم

گفت‌وگو با حجت الاسلام رفیعی به مناسبت ولادت حضرت زینب(س) و روز پرستار

عقیله بنی‌هاشم (علیها السلام)؛ بانویی که پرستاری را با شجاعت و حیا در هم آمیخت

■ عقلانیت خدادادی و دانش لدنی، سیمای عقیله بنی‌هاشم(س)

دکتر رفیعی با اشاره به بُعد معرفتی شخصیت حضرت زینب(س) توضیح می‌دهد: عقلانیت و خردمندی والد حضرت زینب(س) را به عقیله بنی‌هاشم مشهور کرد و دانش ایشان نیز منشأی الهی داشت. امام سجاد(ع) درباره دانش عمیق و لدنی عمه بزرگوارشان فرمودند: «أَنَّ بِحَدِّ اللَّهِ عَالِمَةً وَغَيْرَ عَالِمَةٍ وَفَهْمَةٌ غَيْرَ مَفْهَمَةٍ». (الإحتجاج، ج ۲، ص ۳۰۵) ایشان در کاخ یزید نیز با اقتدار کامل فرمودند من تو را کوچک می‌شمارم و با خواندن آن «وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمَا نُطَلِّي لَهُمْ خَيْرٌ لَّانْفُسِهِمْ إِنَّمَا نُنَمِّي لَهُمْ لَبِيزًا دَاوُوا إِنَّمَا وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ» (آل عمران: ۱۷۸)، هیمنه پوشالی حکومت اموی را در هم شکستند. این استاد حوزه و دانشگاه در ادامه تصریح می‌کند: ولایت‌مداری و اطاعت محض از امام زمان، اصل دیگری در سیره عملی دختر امیرالمؤمنین(ع) بود. حضرت زینب(س) در تمام لحظات واقعه عاشورا و پس از آن، کاملاً گوش به فرمان امام حسین(ع) و سپس امام سجاد(ع) بودند. هنگام سو زدن خیمه‌ها برای تصمیم‌گیری به امام سجاد(ع) مراجعه کردند و شکیبایی ایشان در برابر شهادت برادران و فرزندان، الگو و شاخصی بی‌نظیر از ثبات قدم در راه ولایت بود. این اطاعت محض، ریشه در معرفت عمیق ایشان به مقام امامت داشت و نشان می‌دهد ولایت‌مداری، تنها در سایه بصیرت و تسلیم در برابر حجت الهی معنا می‌یابد.

■ عفاف، حیا و فصاحت؛ میراث ماندگار زینبی

این کارشناس دینی می‌افزاید: عفاف، حیا یا پاسداری از ارزش‌های دینی، در تمام طول مسیر اسارت، پرچم راهنمای کاروان اهل بیت(ع) بود. حضرت زینب(س) با وجود تحمل رنج‌های فراوان و سفر در سخت‌ترین شرایط، نسبت به حفظ حریم حیا حساس بودند. ایشان در مجلس یزید با شجاعت به هتک حرمت خاندان پیامبر(ص) اعتراض کرده و فرمودند: «أَمِنَ الْعَدْلُ يَا أَبَنَ الطُّلَقَاءِ تَحْدِثُكَ إِهْمَاكَ وَنِسَاءُكَ وَسَوْفَاكَ بَنَاتُ رَسُولِ اللَّهِ سَيِّئَاتٍ». (المملوهُف، ص ۱۸۲) و بدین ترتیب بر حفظ ارزش حجاب و عفاف تأکید ورزیدند. حجت الاسلام رفیعی در پایان یادآور می‌شود: فصاحت و بلاغت بی‌نظیر در سخنوری، ویژگی دیگر این بانوی بزرگوار است که خطبه‌های پدرشان امیرالمؤمنین(ع) را در کوفه و شام تداعی می‌کرد. فصاحت کلام، صبر بی‌مانند، تسلیم در برابر قضای الهی و جهاد تبیین، مجموعه‌ای از فضائل را در وجود حضرت زینب(س) گنجم‌هم آورد. اما این میراث، تنها به تاریخ تعلق ندارد؛ امروز نیز جامعه ما بیش از هر زمان دیگری نیازمند الگوبری از خدا محوری، شجاعت، حیا و سیره عملی این بانوی بزرگوار در عرصه خدمت به مردم و پایداری در مسیر حق است. سیره زینبی، نقشه‌راهی روشن برای انسان معاصر در مسیر بندگی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی به‌شمار می‌رود و یادآور می‌شود آن‌گاه که پرستاری، خدمت و ایثار با ایمان و اخلاص گره بخورد، به‌میراثی ماندگار برای نسل‌های آینده بدل خواهد شد.



■ خدا محوری و شجاعت، دو گوهر درخشان در سیره زینبی

ایشان یادآور می‌شود: نخستین و مهم‌ترین ویژگی حضرت زینب(س) در تمام مراحل زندگی، خدا محوری و تسلیم محض در برابر پروردگار بود. لذت‌های مادی همواره زودگذر و همراه با سختی هستند اما آرامش واقعی تنها در سایه یاد خدا حاصل می‌شود، همان طور که قرآن کریم می‌فرماید: «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ». (الرعد: ۲۸) حضرت زینب(س) پس از تحمل سخت‌ترین مصائب در گودال قتلگاه فرمودند: «اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنَّا هَذَا الْقَرْبَانَ» و در پاسخ به یاهو گویی‌های ابن زیاد عبارت تاریخی «عَا زَيْتٌ إِلَّا جَمِيلًا» را بر زبان جاری کردند که مصداق بارز آیه شریفه «إِنَّمَا أَعْطَكُمْ بِوَأَجْدُو أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ» (سبا: ۴۶) است.

دکتر رفیعی در ادامه با اشاره به ویژگی برجسته دیگر این بانوی والامقام تصریح می‌کند: شجاعت بی‌نظیر در برابر مستکبران و حاکمان مستمگر، از دیگر صفات درخشان ایشان بود. شجاعت، صفت روح است و جنسیت نمی‌شناسد. حضرت زینب(س) با اقتدار و باوقار وارد مجلس ابن زیاد شدند و وقتی او قصد زخم‌زبان زدن داشت، فرمودند: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَكْرَمَنَا بِنَبِيٍّ... إِنَّمَا يَفْتَضِخُ الْفَاسِقُ وَ يَكْذِبُ الْفَاجِرُ». ایشان با تمسک به آیه تطهیر «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمُ تَطْهِيرًا» (الأحزاب: ۳۳)، اصالت و طهارت خاندان خویش را به رخ حاکم اموی کشیدند و بدین سان، ایمان راستین خود را در عمل به نمایش گذاشتند.

■ **زینب کبری(س)، الگوی کامل پرستاری و ایثار در بستر تاریخ**
دکتر رفیعی در ادامه با اشاره به ابعاد گوناگون تاریخی و معرفتی آن بانوی بزرگوار تصریح می‌کند: شخصیت حضرت زینب(س) به عنوان الگوی کامل پرستاری و ایثار، دارای ابعاد گوناگون تاریخی و معرفتی است. حضرت زینب(س) نخستین دختر متولد شده در خانه امیرالمؤمنین(ع) و سومین فرزند خانواده بودند که حدود پنج سال از عمر شریفشان را در زمان پیامبر(ص) گذراندند. ایشان ۳۰ سال در کنار پدر و دو دهه در کنار برادرانشان امام حسن(ع) و امام حسین(ع) زیستند و در واقعه کربلا ۵۵ سال داشتند. طبق نقل‌های تاریخی، این بانوی بزرگوار حدود یک سال و نیم پس از حادثه عاشورا و در سال ۶۲ هجری قمری از دنیا رفتند.

این کارشناس دینی و پژوهشگر سیره اهل بیت(ع) در ادامه می‌افزاید: درباره محل دفن حضرت زینب(س) میان مورخان و سیره‌نویسان سه دیدگاه مطرح است: قول نخست آن است که به دلیل قطعی در مدینه و فشارهای حاکمان بنی‌امیه، همسرشان عبدالله بن جعفر ایشان را به شام برد و در همان جا درگذشتند. قول دوم اشاره به سفر ایشان به مصر و دفن در قاهره دارد و قول سوم که در کتاب ریاحین الشریعه آمده، دفن حضرت را در قبرستان بقیع مدینه می‌داند. این تعدد اقوال به دلیل تشابهات اسمی در تاریخ است و از عظمت و جایگاه زیارتی آن حضرت در دل‌های مؤمنان نمی‌کاهد؛ چراکه وجود مبارک ایشان، خود زیارتگاهی معنوی برای همه آزادگان جهان است.

اوقات شرعی به افق مشهد			اوقات شرعی به افق تهران		
اذان صبح فردا	اذان مغرب	اذان ظهر	اذان صبح فردا	اذان مغرب	اذان ظهر
۴:۰۱۵	۱۷:۰۱۴	۱۱:۰۱۷	۴:۰۴۸	۱۷:۰۴۷	۱۱:۵۰
غروب فردا	نیمه شب شرعی	غروب خورشید	طلوع فردا	نیمه شب شرعی	غروب خورشید
۵:۳۹	۲۲:۳۵	۱۶:۵۶	۶:۱۱	۲۳:۰۹	۱۷:۲۹

■ برتری خدمت به بیمار بر برخی عبادات مستحبی

حجت الاسلام رفیعی با تأکید بر جایگاه والای خدمت به بیمار در معارف اسلامی تصریح می‌کند: فضیلت رسیدگی به بیمار تا حدی است که حتی بر برخی عبادات مستحبی در اماکن مقدس پیشی می‌گیرد. در تاریخ نقل شده است که فردی به نام مرا در مدینه بیمار شد و هم‌سفرش او را رها کرد و به مسجد النبی(ص) رفت. وقتی این خبر به امام صادق(ع) رسید، آن شخص را فراخواندند و فرمودند: «فَعُوْذُكَ عِنْدَهُ أَفْضَلُ مِنْ صَلَاتِكَ فِي الْمَسْجِدِ». (الکافی، ج ۴، ص ۵۴۵) این فرموده حضرت نشان می‌دهد نشستن نزد دوست بیمار و مراقبت از او، ثوابی برتر از نماز خواندن در مسجد پیامبر(ص) دارد.

این پژوهشگر سیره اهل بیت(ع) در ادامه یادآور می‌شود: علاوه بر مراقبت‌های عمومی، توجه به خواسته‌ها و میل غذایی بیمار نیز در روایات اسلامی مورد توجه قرار گرفته است. بر اساس معارف دینی، اگر کسی غذایی را که مورد علاقه یا نیاز بیمار است برای او فراهم کند، پاداشی ویژه خواهد داشت؛ چنان‌که رسول خدا(ص) فرمودند: «مَنْ أَطْعَمَ مَرِيضًا شَهْوَتَهُ أَطْعَمَهُ اللَّهُ مِنْ ثَمَارِ الْجَنَّةِ». (المحاسن، ج ۲، ص ۵۷۲) البته بیمارانی که در خانه یا بیمارستان هستند نیز باید آداب بیماری را رعایت کرده و از شکایت و بی‌صبری پرهیز کنند، همان طور که عبادت‌کنندگان نیز باید نشستن نزد بیمار را کوتاه کرده و به او امیدواری دهند.

■ **مریم احمدی شیروان** | او را عقیله بنی‌هاشم(س) خوانده‌اند؛ بانویی که در کربلا، هم پرچم‌دار صبر بود و هم کوه استقامت. حضرت زینب کبری(س) تنها یک پرستار نبود؛ او تجسم شجاعت در برابر ستم، حیا در دل اسارت، فصاحت در اوج مظلومیت و ولایت‌مداری در سخت‌ترین لحظات تاریخ بود. فضیلت پرستاری او، در کنار خدامحوری، دانش لدنی و جهاد تبیینش، سیمای کامل یک انسان مؤمن را ترسیم می‌کند. فردا، پنجم جمادی الاول، به یاد روز او بوده و هم به پاس همین سیره نورانی، روز پرستار نام گرفته است. به همین مناسبت، با حجت الاسلام والمسلمین دکتر ناصر رفیعی، کارشناس دینی به گفت‌وگو نشستیم تا از جایگاه معنوی خدمت به بیماران و جلوه‌های معرفتی این بانوی بزرگوار بگوییم؛ گفت‌وگویی که می‌تواند چراغی باشد برای همه کسانی که در مسیر خدمت به دردمندان گام برمی‌دارند.

■ پاداش معنوی پرستاری در آموزه‌های دینی

حجت الاسلام رفیعی در ابتدای این گفت‌وگو، با اشاره به نام‌گذاری سالروز ولادت حضرت زینب کبری(س) به عنوان روز پرستار، این تقارن را فرصتی مغتنم برای بازخوانی مفهوم پرستاری در معارف اسلامی می‌داند و می‌گوید: پرستاری از بیماران و مراقبت از دردمندان، تنها منحصر به کادر درمان و شاغلان در بیمارستان‌ها نیست، بلکه قلمرو وسیعی از مسئولیت‌های خانوادگی و انسانی را شامل می‌شود. بسیاری از مردم در محیط خانه از پدر و مادر سالخورده، همسر بیمار یا فرزندان دچار معلولیت و آسیب‌های جسمی نگهداری می‌کنند و گاهی دچار خستگی یا فشار روحی می‌شوند. قرآن کریم انسان‌ها را به نیکی و رسیدگی به والدین در دوران پیری سفارش می‌کند و نباید فراموش کرد که این مراقبت‌ها پاداشی عظیم نزد خداوند متعال دارد.

ایشان با اشاره به روایات معتبر می‌افزاید: در آموزه‌های دینی برای مراقبت از بیمار، آثار و برکات خیره‌کننده‌ای بیان شده است که تحمل سختی‌های این مسیر را آسان می‌کند. رسول خدا(ص) در کلامی نورانی می‌فرماید: «مَنْ قَامَ عَلَي مَرِيضٍ يَوْمًا وَلَيْلَةً بَعَثَهُ اللَّهُ تَعَالَى مَعَ إِِبْرَاهِيمَ الْخَلِيلِ(ع) فَجَازَ عَلَى الصِّرَاطِ كَالْبُرْقِ الْأَمَّيْعِ» (ثواب الأعمال، ص ۱۹۳). بر اساس این روایت، یک شبانه‌روز پرستاری از بیمار، موجب محشور شدن با حضرت ابراهیم(ع) و عبور شتابان از صراط خواهد بود. همچنین در روایت دیگری از پیامبر اکرم(ص) آمده است: «مَنْ سَعَى لِمَرِيضٍ فِي حَاجَةٍ - قَضَاهَا أَوْ لَمْ يَقْضِهَا - حَرَجَ مِنْ ذُنُوبِهِ كَيَوْمٍ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ» (الأمالی صدوق، ص ۵۱۵) که نشان می‌دهد صرف تلاش برای رفع نیاز بیمار، فارغ از نتیجه آن، موجب آرمش گناهان می‌شود.

گفت‌وگو

بازخوانی سیره حضرت زینب(س) در آستانه سالروز میلاد آن حضرت

طنین ماندگار جهاد زینبی در قلب تاریخ

■ **ریحانه عامل نیک** | در آستانه سالروز میلاد فرخنده اسوه صبر و استقامت، عقیله بنی‌هاشم حضرت زینب کبری(س)، بازخوانی ابعاد گوناگون شخصیت تمدن‌ساز این بانوی بزرگ،

بیش از پیش ضرورت دارد. در عصر کنونی که جریان‌های حق طلب با همه‌همای همه‌جانبه‌رسانه‌ای و فرهنگی روبه‌رو هستند، سیره عملی زینب کبری(س) در مدیریت بحران، جهاد تبیین و پیوند ناگسستنی با حجت خدا، نقشه‌راهی روشن برای پویایی اجتماعی زنان و جامعه اسلامی به‌شمار می‌رود. برای واکاوی این ابعاد عمیق، در گفت‌وگو با حجت الاسلام والمسلمین محمدصادق کفیل، مدرس و پژوهشگر و مدیر مرکز تخصصی صحیفه سجادیه، ابعاد گوناگون کنشگری اجتماعی، صبر فعال و نقش تمدن‌ساز آن حضرت را به بحث و بررسی گذاشتیم که در ادامه می‌خوانید.

■ جایگاه تاریخی و جریان‌ساز بانوان در تاریخ اسلام

بررسی تطبیقی و تحلیلی تاریخ ادیان توحیدی نشان می‌دهد در تمامی مقاطع سرنوشت‌ساز و حرکت‌های تحول آفرین الهی، همواره بانوان نقشی اهریبردی، پیش‌برنده و اثرگذار ایفا کرده‌اند. جریان‌های سازنده‌ای در مسیر رسالت انبیاء(ع) با حضور فعال، بصیر و فداکارانه زنان به ثمر نشسته است. در تاریخ نبوت، پیش از هر چیز همراهی هاجر و ساره در کنار حضرت ابراهیم خلیل الله(ع) مسیر توحید را هموار کرد؛ رسالت حضرت موسی(ع) با حمایت و درایت بانو آسیه پیوند خورد؛ اعجاز رسالت حضرت عیسی(ع) در بستر طهارت و استقامت حضرت مریم(س) متجلی شد و بعثت پیامبر اعظم(ص) با ایثار و بصیرت بی‌نظیر حضرت خدیجه کبری(س) قوام یافت. نقطه مقابل این قاعده نیز در تاریخ عبرت آموز است؛ آن‌جا که در رسالت پیامبری چون حضرت نوح(ع) به دلیل عدم همراهی همسر، آسیب‌ها فراگیر و سنگین شد. این امتداد تاریخی در عصر امامت نیز به اوج کمال خود رسید؛ چنان‌که امیرالمؤمنین علی(ع) با حضرت فاطمه زهرا(س) همراه شد و حماسه سیدالشهدا(ع) در سایه‌سار کنشگری عقیله بنی‌هاشم حضرت زینب کبری(س) (جوادانه شد. این سیر مبتد گویند این روشن بر این حقیقت است که بانوان در تفکر دینی صرفاً نظاره‌گر تحولات اجتماعی و تاریخی نیستند، بلکه پیش‌ران، ستون فقرات و عامل تثبیت جریان‌های حق مدار به شمار می‌روند. وجود چهره‌های تابناکی چون حضرت زهرا(س) و حضرت زینب(س) سند زنده‌ای است بر



■ جامع‌هاست. در فضای رعب‌انگیز کوفه

و خفقان سنگین شام، جایی که فضای دربار اموی همگان را به سکوت و وحشت واداشته بود. زینب کبری(س) چنان با صلابت و اقتدار سخن گفت که گویی تمام افکار عمومی همراه او است و هیچ ترسی در دل ندارد. منشأ این شجاعت شگفت‌آور و قدرت کلام را باید در مقام عبودیت و پیوند وثیق توحیدی ایشان بازشناخت؛ شخصیتی که در منابع دینی به حق «عابدۀ آل علی» نامیده شده است.

پیوند توحیدی این بانو تا بدان پایه است که حتی در بحرانی‌ترین و طاقت‌فرساسترین شب‌های مسیر اسارت، نافله و شب‌زنده‌داری‌اش ترک نشد. عظمت معنوی و قرب الهی ایشان چنان است که امام معصومی چون حضرت اباعبدالله الحسین(ع) در واپسین لحظات وداع، به ایشان التماس دعا می‌گوید. این عمق عبادی و استواری توحیدی نشان می‌دهد شجاعت اجتماعی، توان تبیین‌گری و ایستادگی در برابر طواغیت، محصول مستقیم ریشه‌داری در عبودیت، فقاقت و اتصال به منبع فیض پروردگار است؛ اتصالی که سبب می‌شود انسان در سخت‌ترین توفان‌های مسیر خود را گم نکند.

■ صبر پویا و فعال؛ الگوی زینبی در عصر انتظار

یکی از مهم‌ترین مفاهیم در بازخوانی شخصیت حضرت زینب(س)، درک صحیح «مقام صبر» است. در تلقی

یعنی «احیای امر امامت و جهاد تبیین» ختم می‌شود. حضرت زینب(س) تمام دغدغه خویش را معطوف به تبیین جایگاه امام حسین(ع) و حقیقت نهضت عاشورا کرد. اقدام راهبردی ایشان دو وجه داشت: اول «حفظ» حادثه عاشورا در برابر تحریف‌های اموی و دوم «احیای» پیام آن برای نسل‌ها. واقعه کربلا با همه ابعاد خود پایان یافت، اما رسالت احیای آن تازه آغاز شده بود. بانویی که برای امر امامت سینه‌سپر کرده، هیچ‌ساختی از آسایش یا منفعت شخصی را بر تبیین حقیقت و ماندگاری خون شهدا مقدم نمی‌داند؛ اقدامی بنیادین که ماهیت حرکت عاشورا را از یک واقعه تاریخی به یک جریان پویای تاریخ‌ساز تبدیل کرد.

■ تاب‌آوری و مدیریت بی‌نظیر بحران در اوج مصیبت

اطلاق واژه وزین «عقیله» به حضرت زینب(س) که دلالت بر اوج خردورزی، ژرف‌اندیشی و درایت تام دارد گواه آن است که تمامی افعال، گفتارها و موضع‌گیری‌های این بانو مبتنی بر یک راهبر، تفکری منسجم و عقلانیت محاسباتی بود. ایشان هرگز بر اساس احساسات زودگذر یا تدابیر مقطعی و انفعالی عمل نکرد. در بحبوحه اسارت و در شرایطی که سنگین‌ترین داغ‌ها را بر دوش می‌کشید، داغ برادر، فرزندان، خاندان و شهادت یاران؛ سطح تاب‌آوری و مدیریت بحران ایشان بی‌نظیر و اعجاب‌آور بود. عقیله بنی‌هاشم(س) در اوج داغ‌دیدی، مدیریت روانی و فکری کاروان اسرا و صحنه نبرد سیاسی را بر عهده گرفت و اوضاع را به گونه‌ای مهندسی کرد که نتیجه نهایی، تحقق اهداف نهضت حسینی باشد. نه پیروزی مطلوب دستگاه حاکم، خطبه‌های آتشین و کوبنده ایشان در کوفه و شام، نقشه محاسباتی امویان را در هم شکست. دستگاه اموی و شخص یزید که خود را در اوج پیروزی ظاهری و هیمنه قدرت خود را بالا می‌زدند، در برابر این راهبر تهاجمی به حسیض ذلت و انفعال کشیده شدند؛ تا جایی که یزید به ناچار برای حفظ بقای خویش و گریز از خشم عمومی، از جنایت کربلا تبری جست و مسئولیت فاجعه را به گردن ابن زیاد انداخت. این تسلط روانی و عقلانی در اوج مصیبت، جلوه‌ای درخشان از توانمندی بانویی است که در تاریخ همتایی ندارد.

■ ارتباط عبادی و توحیدی، قوام بخش شجاعت در جهاد تبیین

در ساخت جهاد تبیین، حضرت زینب(س) شاخص برجسته ایستادگی در برابر ارباب حاکمیت و شکستن سکوت مبرگر